

نبرد خلق

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
عید نوروز، جشن جنبش بهاری و آغاز
سال ۱۳۶۹ را به مردم ایران، تبریک
میگوید.

ارگان

۱۲ صفحه - ۵۰ ریال

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

دوره چهارم - سال ششم
اول فروردین ۶۹ - شماره ۶۹

گزارشی از برگزاری مراسم ۱۹ بهمن

مرکز کردستان و

سخنرانی رفیق سعید یزدانپناه

شو کمیته مرکزی سازمان در این مراسم

برای گرامیداشت خاطره نوزدهمین تولد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و همچنین نوزدهمین سال قیام پر شکوه خلقهای بیباک علیه رژیم سلطنتی، از سوی کمیته برگزاری جشن ۱۹ بهمن مراسم با شکوهی با شرکت تعداد کثیری از نمایندگان، دوستان، پیشمرگان و اعضای سازمان در یکی از مقرهای استقرار سازمان در نوار مرزی کردستان برگزار گردید. مراسم ابتدا در ساعت ۲/۴۵ دقیقه بعد از ظهر روز نوزدهم با یک دقیقه سکوت برای بزرگداشت خاطره شهیدای سرفراز خلق آغاز شد و با اجرای سرود انترناسیونال ادامه یافت. انگاه توسط یکی از رفقا بیانیه سازمان بمناسبت رستاخیز سناهکل خوانده شد. سرود کردی سناهکل (جدید) پس از قرائت بیانیه از سوی گروه کو پیشمرگان فدایی به اجرا درآمد. سپس رفیق سعید یزدان پناه عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته کردستان سازمان به ایراد سخنرانی پرداخت. رفیق سعید ابتدا چگونگی روند شکل گیری سازمان چریکهای فدایی خلق و جریانات پس از آنرا بطور خلاصه بیان نمود و بطور خلاصه تصمیم کمیته مرکزی سازمان مبنی بر حذف پسوند " پیرو برنامه (هویت)" را تشریح و توضیح داد. بررسی اوضاع کنونی جهان، ایران و کردستان پایان بخش سخنان رفیق سعید بود. آشروح سخنان رفیق سعید در همین شماره نبرده خلق بجا ب رسیده است. مراسم با اجرای برنامههای متنوع هنری از جمله: شعر خوانی، سرود، ترانههای کردی اما لایحههای مختلف اورا سمعی، سورانی و شکاکلی، رقص ریسایی نمایشی بادیانسی، رقص ترکی و چند ترانه لری که با همکاری گروه موسیقی حزب دمکرات کردستان ایران، رهبری انقلابی به اجرا درآمد و همچنین منظومهای که از زبان مازندرانی به کردی ترجمه شده بود، ادامه یافت. مراسم در میان شور و هیجان حاضرین در ساعت ۵/۵ بعد از ظهر خاتمه یافت.

در صفحه ۴



یاد به خون تپیدن
رفیق کبیر فدایی خلق
بیژن جزینی و همزمانش
گرامی باد



۱۳۶۹

گزارشی از برگزاری مراسم ۱۹ بهمن

رفیق سعید

سخنرانی رفیق منصور از مسئولین

سازمان در این مراسم

همانگونه که در شماره گذشته نبرده خلق یادداشت رسید، بمناسبت بزرگداشت ۱۹ بهمن حماسه سناهکل رفقای هوادار سازمان در هلند اقدام به برگزاری مراسم سخنرانی و هنری با شکوهی در شهر "لمیره" هلند نمودند که با استقبال بسیار خوبی روبرو گردید. این مراسم در تاریخ ۱۰ فوریه جاری با شرکت تعداد زیادی از رفقا، دوستان و هموطنان ما برگزار شد. خاتمه محل مراسم با آرم بزرگ سازمان، تعاون رفقای شهید و نیز شعارهایی در خصوص گرامیداشت خاطره رستاخیز سناهکل و مبارزه مسلحانه ترنشین شده بود.

مراسم در ساعت هفت و پانزده دقیقه بعد از ظهر با اعلام یک دقیقه سکوت به یاد و احترام شهیدای بخون خفته خلق آغاز شد. پس از آن بیانیه سازمان به این مناسبت توسط یکی از رفقا قرائت گردید. سپس فیلمی به نام "شب بعد از انقلاب" ساخته فیلمساز برجسته ایرانی رضا علامه زاده به سرورای شرکت کنندگان تعارش داده شد. قسمت بعدی برنامه به قرائت بیامهای رسیده اختصاص داشت که نمایندگان از جانب هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران - هلند و حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی در هلند و نیز آقای عمر یزدان پناه پدر فدایی شهید رفیق "سکو" بنیانگذاری سازمان را تبریک گفتند.

در قسمت های از پیام رفقای حزب یکجرات کردستان ایران - رهبری انقلابی، هلند آمده است: " حرکت سناهکل بانگ رسای از جان گذشتگانی بود که در راه احیای استبداد و استعمار به سکوت

در صفحه ۵

پیام مسئول شورای ملی مقاومت به فلسون ماندلا

مبارز بزرگ فلسون ماندلا،
بنام مقاومت عادلانه مردم ایران برای صلح
و آزادی و بنام خلق محرومی که تحت حاکمیت
استبداد مذهبی و قرون وسطایی خمینی بیست و
۹۰ هزار شهید آزادی پر دامن خود پرورانده است،
آزادی تو را به نشانه آزادی مهنیت گرامی دانسته
و صمیمانه تهنیت میگویم.

مقاومت تو در زندان ۲۷ ساله ات اصالت ارزشهای
مقدس را که برای آنها بیستابیش مردیت مبارزه
کردی به اثبات می رساند و پیروزی فاطم آنها را مزه
می دهد. برانستی که تمامی خلقهای تحت استعمار
و تبعیض که به ریمان پر رنج و خون آزادی جنگ
زده اند، چشم انداز راهی بخش پر شوری را در پیش
دارند.

با درود به مقاومت تو و همزمان و مردمت
مسعود رجوی
مسئول شورای ملی مقاومت
و فرمانده کل ارتش آزادیبخش ملی ایران

اطلاعیه دبیرخانه

شورای ملی مقاومت

بدنبال انتشار قطعنامه کمیسیون حقوق بشر در باره
وضعیت حقوق بشر در ایران، آقای مسعود رجوی
مسئول شورای ملی مقاومت ایران با ابراز تأسف
مجدد نسبت به گزارش مغرضانه و محدود کالیندویل
که مبنای قطعنامه حاضر نیز قرار گرفته است تجدید
ماموریت و بازدید نماینده کمیسیون حقوق بشر از
ایران در پی موضوعها و اعتراضات گسترده
مقاومت عادلانه مردم ایران برای صلح و آزادی را یک
اقدام ضروری توصیف کرد. اما در عین حال افزود: "با
صراحت تأکید می کنم که ماموریت بعدی نماینده
ویژه در ایران تنها در صورتی مورد قبول مقاومت
ایران است که اولاً - نمایندگان مقاومت نیز بسه
منظور معانعت از هر گونه صحنه سازی و معاوضه
مجدد در جریان تحقیقات حضور یابند و ثانیاً - یک
مترجم ناظر از سوی مقاومت بر تمامی ترجمه ها
نظارت کند. در غیر اینصورت بیستابیش اعلام
می کنیم که ماموریت و گزارش بعدی نیز مانند گزارش
قبلی از نظر مردم و مقاومت ایران و همه وجدانهای
منصف فضایی محدود و عاری از اعتبار است."

مسئول شورای ملی مقاومت همچنین از اینکه رژیم
خمینی نیز مانند رژیم شاه در دوران انتشار خود به
ناچار بر حسب قطعنامه کمیسیون حقوق بشر بلبل

در صفحه ۲

مصاحبه با کاک جلیل گادانی

درباره تحولات اخیر در کشورهای سوسیالیستی

در صفحه ۷

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنوشتی رژیم خمینی

در اعتراض به گزارش گالیندویل

خانم پوربیگاسیون و ۰۰۰ کیسومبینگ، رئیس اجلاس کمیسیون چهل و ششم حقوق بشر رونوشت: آقای پرزدوکویلیار دبیر کل ملل متحد عکس العمل گزارش نفرت انگیزی که آقای رینالدو گالیندویل در مورد شرایط سرکوب در ایران تهیه کرده است، باعث شد که ایشان در مواجهه بنا را بر این بگذارند که دفاع از خود بگویند: "ممکن است من اشتباه کرده باشم" و حال آنکه حجم عظیم اسناد، شهادتها، اطلاعات و اعترافات مقامات رژیم ملایان، گزارشهای خبرنگاران و بلاخره قوانینی که ملایان جنایتکار اساسی قدرت خود را مبتنی بر آن میدانند، جایی برای چنین اشتباهات نمیگذارد. این گزارش مستقیماً با مقاومت سلیبونها ایرانی مقدمیده، علیه جنایتکاران حاکم طرفیست دارد. بزرگ کردن چهره کریم آدمکشان حاکم بر ایران فقط می‌تواند نتیجه زدنندهای حقیرانه‌ای باشد که هدف آن به تاخیر انداختن سقوط مخنوم بازماندگان رژیم فرمانده خمینی بدست مردم است. این گزارش در عمل تشویق دشمنان سوگند خورده بشریت به ادامه جنایت، خونریزی، شکنجه و کشتار، بی حرمتی به حقوق ذاتی انسانها و اصول شناخته شده ملل متمدن، تحقیر دستاوردهای بشری، توهین به حیثیت انسان و بلاخره راهگشا برای تجاوز آنان به حقوق همه انسانها و همه سرکوب شدگان روی زمین است. آیا می‌توان حق دفاع را فراموش کرد، می‌توان چشم در آوردن، قطع اعضا، بدن، پرتاب کردن از بلندی، تجاوز به زنان و دختران، آویختن انسانها به چتر قتل و سوزاندن انسان را عدالت دانست و مقاومت در برابر آنها نروبریزم خواند.

خانم رئیس

هنوز یکماهی از ضعف عمومی مردم جهان از آزادی بیسوس ماند لا نمی‌گذرد، مردی که ۲۷ سال تمام در زندان مقاومت مردم خود را رهبری کرد، کسی که بارها وسیله دشمنان آزادی نروزیست معرفی می‌شد. سال گذشته ملل متحد با قبول مشکلات فراوان افتخار میزبانی مردی را داشت که مقاومت مردم فلسطین را برای وصول به صلح و حقوق انسانی نمایندگی می‌کند. این میهمان عالیقدر، آقای عرفات، نیز توسط دشمنان صلح و آزادی خاورمیانه به عنوان نروزیست مورد توهین قرار می‌گرفت. اینک آقای گالیندویل است که می‌خواهد مقاومت ملل متحد ایران را که از شناخته شدگی بین المللی برخوردار است قربانی زدنندهایی با مغفورتترین دشمنان صلح و آزادی و بشریت نماید. مقاومت "شجاعانه" ای که بوسیله مراجع معترف بین المللی بعنوان نماینده مردم ایران شناخته شده است و این همه در حالی است که مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر اجبار به "قیام بر ضد ظلم و فشار" را به عنوان آخرین علاج به رسمیت شناخته است. حق مقاومت در برابر ظلم جزء دستاوردهای حقوق مدرن بشریت است، برای استیفا این حق نظری و طبیعی هیچ انسانی نیازمند تجویز آقای گالیندویل نیست.

در عصر ما اسلح و مشاقت قدرت حکومت آزاد

مردم است. اما در میهن ما مشتکی آدمکش خود را نماینده خدا بر روی زمین می‌خوانند و بنام ولایت فقیه و برای ادامه موجودیت نامشروع و ضد بشری خود در مقابل مردمی که با پایمردی این جرثومه ننگ را نمی‌پذیرند به جنایات بی نظیری دست زده‌اند.

آقای گالیندویل در جعل واقعیتها آن جنسان شناسدگی دارد که در گزارش خود اشاره می‌کند که "در ۵ ماه گذشته هیچ اعدای علنی (در ایران) صورت نگرفته است" و حال آنکه این گفته با اقرارهای رسمی سران ایران و مطبوعات رژیم در تعارض است.

در حالیکه هیات عمومی دیوانعالی کشور در همین جمهوری اسلامی در رای قطعی و لازم الاجرای خود که اثر قانونی دارد (رونوشت و ترجمه پیوست است) تصریح دارد "مداخله وکیل تسخیری در صورتیکه متهم

شخصاً وکیل تعیین نکرده باشد، در محاکم کیفری و در موردی که تجاوزات اصلی آن جرم اعلام با حبس دائم باشد، ضروریست" و محاکمه بدون حضور وکیل

اعتبار قانونی ندارد. آقای گالیندویل با بیانی متناقض سعی دارد القاء کند که محرومیت قربانیان رژیم از حق دفاع به این علت است که با "شخص

متهم حاضر به پذیرش کمک وکیل نمی‌شود"، و یا اینکه "وکلا، حاضر به قبول وکالت و دفاع از متهم نمی‌شوند" (پاراگراف شماره ۲۴۶ گزارش

گالیندویل) به این ترتیب اعمال رژیمی که بدون رعایت حق دفاع آنها را بر نظر را بطور خود کما به قتل رسانده توجیه می‌گردد. به جای جانی اصلی یعنی رژیم، وکلا و کسانی که بوسیله آدمکشان "خودگامگی اسیر شده‌اند تا بعداً بدون دفاع از خود به قتل برسانند، به کرسی اتهام می‌نشینند.

بالاخره، راه حل آقای گالیندویل آنست که بنا ارائه کمک های فنی به دولت جمهوری اسلامی "دولت ایران آسان تر بتواند نظام خود را با معیارهای

بین المللی هماهنگ سازد. " مجازاتی که در ایران بر اساس قوانین رژیم اعمال می‌گردد نقض آشکار پیمان بین المللی منع شکنجه و سایر رفتارها

با مجازاتی ظالمانه غیر انسانی یا تحقیر آمیز است. راه واقعی هماهنگی این جانیان با مقررات بین المللی آنست که آنها را بر اساس حقوق بشر

و نه عنوان جانی در هر کجا که می‌بایست تسلیم عدالت کنیم. اسان اگر دست نبرند، چشم درنآورند، شلاق نزنند، سنگار نکنند، علیه اصول انسانی

قدرت حکومتی و قوانین ضد انسانی، ظالمانه و تحقیر آمیز خود عمل کرده‌اند. زیرا رژیمی که پایه‌اش بر قوانین متحجر ولایت فقیه و تمرکز تمامی قدرت در دست یک فرد بنا شده باشد، از اساس نافی

همه ارزشهای والا ی انسانی است. خانم رئیس

به نام بشریت، به نام دفاع از حقوق بشر، به نام مردم ایران، ما امضا کنندگان زیر که نقض فاحش حقوق بشر را در ایران، به اشکال متفاوت لمس کرده‌ایم و خود قربانی سرکوبگری رژیم خمینی بوده

و به همین علت در خارج از میهن خود پناهنده‌ایم و همانطور که آقای سعید رجوی، مسئول شورایی

اطلاعیه دبیر خانه شورای ملی مقاومت

از صفحه ۱

متحد به بازدید مستمر صلیب سرخ از زندانبانهای سراسر ایران بویژه زندانبانهای سیاسی تن داده است، ابراز خرسندی نمود و آنرا دستاورد تحسن اخیر خانواده شهدا و زندانیان سیاسی در تهران و اعتصاب غذای جهانی پشتیبانان مقاومت ایران خواند. آقای رجوی ضمن تاکید بر اینکه تعهد بازماندگان خمینی نسبت به بازدید صلیب سرخ از زندانبانها نباید بر روی کاغذ باقی مانده و صرفاً مصرف کم کردن از شدت قنطنامه حاضر را داشته باشد، خواستار کشوده شدن هر چه سریعتر زندانبانهای رژیم خمینی بروی صلیب سرخ گردید و آمادگی مقاومت ایران برای هر گونه همکاری با کمیته بین المللی صلیب سرخ را جهت سوقیت در مأموریتش اعلام نمود.

دبیر خانه شورای ملی مقاومت ایران
پاریس - ۷ مارس ۱۹۹۰

ملی مقاومت نیز طی تلگرام مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۹۰ به دبیر کل ملل متحد و پیام مورخ ۲۸ فوریه ۱۹۹۰ به آن کمیسیون از سوی شورا مورد تاکید قرار داده است از شما و تمام اعضا کمیسیون حقوق بشر ملل متحد می‌خواهیم:

۱- در جهت حفظ اعتبار ملل متحد و اعتقاد آزادگان جهان به لزوم پاسداری قدرت و حیثیت ملل متحد در راه برقراری صلح و آزادی از تمام امکانات خود برای کان لم یکن نمودن، گزارش مفرضانه و مخدوش آقای گالیندویل که توهینی بزرگ و فراموش نشدنی، نه تنها به ملت ایران بلکه به جامعه بشریت و تمام انسانیت است، استفاده کنید.

۲- چون گزارش مذکور از لحاظ حقوقی و از جهات دیگر فاقد هر گونه اعتبار است، ترتیباتی داده شود که مترجم مورد اعتماد و نماینده صالح مقاومت در سعیت نماینده جدید ملل متحد برای رسیدگی به جنایات رژیم، به ایران اعزام گردد.

۳- با توجه به تداوم جنایات رژیم به ویژه پس از بازگشت نماینده ویژه از ایران و اعمال روزمره انواع مجازاتی غیر انسانی، ظالمانه و تحقیر آمیز، بدون رعایت آیین دادرسی و حق دفاع که در همین زمان کوتاه منجر به اعدام بیش از ۳۰ نفر از افراد مظلوم در سراسر ایران شده است، خواستاریم که رژیم خمینی به طور قاطع برای نقض حقوق بشر و جنایت علیه بشریت در همین اجلاس چهل و ششم کمیسیون محکوم گردد.

عین الله آساد - اصغر امینی - فرهاد اسلامی - جرگرد خلیان حسین اسکندریان - محمد علی اصقهبانی - مینو انوندی - رضا اولیا - عزیرالله یاک نژاد - حکیم سعید جمشیدی - مهناز جهانیانی - مهرداد یسزدان حاج حمزه - حسین حسینی - دکتر کاظم رجوی - خلیل الله رضایی - محمد رضا روحانی - سروان حمید بزرگ باش - مهدی سامع - محمد شمس - دکتر محمد شیخی ناراشی - مهدی صدیق زاده - دکتر طاهر طاهرزاده - بهرام عالموندی - مسلم اسکندر فیلابی - محمدرضایی - دکتر کریم قصبم - فریدون گیلانی - جلال گنجینه‌ای - ابراهیم مارنفرانی - مریم متین دفتری - هدایت متین دفتری - سرهنگ بهزاد معزی - دکتر علی معصومی - حسن مکارم - بهرام مودت - دکتر هادی سپاسادی - مهرداد رضا مولانی نژاد - زینت میرهاشمی - د. ناطقی - حسین نقدی - دکتر نادر نوری زاده - بهزاد وکیلی - منوچهر هزارخانی - مهرداد هرسینی - فریبا هشتروندی - ناهید همت آبادی - داریوش یسزدان فر

اخبار و رویدادها....

از صفحه ۱۲

سفید از طریق یک شماره تلفن مربوط به هاشمی رفسنجانی با وی تماس گرفته است. پیشنهاد این تماس از جانب رفسنجانی بوده ولی به تلفن مربوطه خرد رفسنجانی پاسخ نداده است. این ماجرا یکی دیگر از زود بندهای پنهانی بین آمریکا و رفسنجانی را افشاء می کند.

از رادیو مسکو

رادیو مسکو ۴ اسفند ۶۸
"تظاهرات ضد دولتی که چند روز پیش در تهران آغاز شده بود در این هفته به شهرهای گوناگون ایران نیز سرایت کرد. مفسر ما یوری آندریف به این مناسبت چنین می نویسد: گزارشات بی سروصدا و کم رنگ در باره تظاهرات ضد دولتی در ایران از مدتها قبل منتشر می شد. اواخر سال گذشته همسه خبرگزاری های جهان از وقوع برخوردهای خونین میان دانشجویان ایران و پلیس خبر دادند. در آن زمان در جلسه شورای عالی امنیت ملی ایران روحیه های سرکوبی تظاهرات دانشجویان مورد بحث قرار گرفت. در ماه ژانویه امسال اوضاع در شهرهای نجف اصفهان و اصفهان شدیداً به وخامت گراشید. تجار و باسازان، مغازه های خود را به مدت ۴ ساعت بسته و به ایمن ترتیب حمایت خود را از منتظری ایران می داشتند. وی که از تمام سمت های دولتی خود برکنار شده، به عنوان طرفدار لبرالیزم سیاسی معروف است و ادعا می کند که به انتقاد شدید از رهبری فعلی ایران می پردازد. او ایران را کشور فاشلی و رهبران کشور را خائن می نامد. در اواسط ماه فوریه آتش شد دولتی در ایران دوباره شعله ور شد. بنا به گزارشات سازمانهای اپوزیسیون روز ۱۶ فوریه در تهران میان نیروهای امنیتی و دهها هزار نفر از مردم مخالف رژیم

اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت

از صفحه ۱۱

متحد در زنگ که به صدای خود او روی نوار ضبط شده و در اختیار مقاومت ایران است.
رجایی خراسانی رئیس کمیسیون امور خارجیه مجلس رژیم خمینی نیز از پیش تاکید می کرد که قرار است "اسم از لیست سیاه (حقوق بشر) نیابند بهرین... گالیندویل هم خیلی از مواضع اصلاح شده مثلا وقتی می خواستند از منافقین (مجاهدین) گزارش نام برد تحت عنوان گروههای مسلح سیا ترورست نام می برد و این موضع بسیار مشخص است".
اعین سخنان رجایی خراسانی سفیر سابق رژیم در ملل متحد در نیویورک که بر روی نوار ضبط شده و در اختیار مقاومت ایران است. نامبرده در همین نوار به میزان "خیلی زیاد، خیلی زیاد" نسبت به گزارش گالیندویل ابراز "اطمینان" می کند.
اکنون بوضوح می توان فهمید که چرا در خواست مصراحه مقاومت ایران و تقاضای رسمی و کتبی پیش از ۱۵۰۰ تن از شخصیت های سیاسی و پارلمانتاریست های کشورهای مختلف جهان برای حضور یک نماینده از مقاومت ایران در جریان سفر گالیندویل که خواست اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران نیز بود هیچگاه پذیرفته نشد.
دلیل آن سادگی این است که در صورت حضور یک نماینده - فقط یک نماینده از میان بیش از یک هزار مجاهد خلق که داوطلب همراهی با گالیندویل در سفرش به تهران شده بودند - نیز سفره و فریب کارانه ای که سردمداران رژیم چیده بودند بهرین مناسبت و سعالمه کثیف مورد نظر انجام نمی شد.
گذشته از این در هر تحقیق منصفانه و بی طرفانه قضایی حضور مترجمی از سوی طرف دیگر دعوا نیز ضروری است تا بر صحت و بی طرفانه بودن مطالبی که ترجمه می شود نظارت داشته باشد.
حال اینکه این ضرورت بدیهی و بیش یا افتاده حقوقی نیز در جریان سفر گالیندویل مراعات نشده و مترجم بهمچوجه مورد اعتماد مقاومت ایران که یکطرف اصلی دعواست دعوت نموده است بگذریم که در وزارت خارجه رژیم خمینی صحبت جنب مترجم مقاومت ایران نتایج تحقیقات خود در این باره را نیز متناقضاً منتشر خواهد نمود.

ضمناً گفته می شود که مترجم مورد بحث از آشنایان قدیمی سیروی نامری مزدور شناخته شده

برخوردهای خونبار صورت گرفت. شرکت کنندگان در تظاهرات ضد دولتی خواستار برکناری رهبری فعلی ایران از قدرت شدند. جالب توجه است که دولت اسلامی این حقیقت را که روز جمعه تظاهراتی در تهران به وقوع پیوسته تایید نمود. اما اعلام داشت که این ناراضیانی طرفداران فوتبال به دلیل لغو برگزاری دو مسابقه فوتبال بود. اما این ادعا مورد شک و تردید جدی می باشد. کافی است بگوئیم که دو روز پس از افتخاشات تهران، بزدی رئیس قوه قضائیه جلسه مشورتی ویژه ای برپا کرد. در این جلسه تایید شد که دولت ایران قاطعانه ترسیمی و شدیدترین تدابیر را بر علیه کسانی که امنیت ملی کشور را مورد تهدید قرار می دهند، اعمال خواهد کرد. با این وجود تظاهرات ضد دولتی از پایتخت به شهرهای دیگر کشور نیز سرایت کرده است. شرکت کنندگان در تظاهرات و میتینگ های پرجمعیت نماوار رهبران دولت را به آتش کشیدند. تظاهر کنندگان سنگرها و موانعی در مرکز اصفهان ایجاد کرده و با تلاشهای مقامهای دولتی برای سرکوبی جنش اعتراضی به مقابله پرداختند. امروز دیگر کاملاً واضح است که آشوبها در ایران خصومت سیاسی دارد. تظاهر کنندگان شعارهای ضد دولتی مطرح ساختند و خواستار آزادی های دموکراتیک هستند. در حال حاضر حیات سیاسی در ایران تحت کنترل شدید دولت قرار دارد. وحدت اسلامی بسیار کم دوام است و الترناتیو سیاسی در مقابل رژیم فعلی ایران به تدریج در حال باز کردن راه برای خود می باشد. گزارش می شود که گوناگون ترین نیروها از بهرین سازمان چاهدین خلق گرفته تا طرفداران شاه در آشوبهای فعلی در ایران شرکت دارند. اما همه آنها خواستار آزادی بوده و مخالف قواعد سیاسی - مذهبی تحمیل شده به زور هستند. شاید در ایمن لحظات حساس بجا باشد که نمایندگان مجلس که چند روز پیش به دولت شوروی رهنمود می دادند جملات پیام خود را به باد بیاورند. در آن نامه گفته می شود آن زمان که سرکوبی نودهها ساعت محسوب می شد، مدتها سیری شده است.

رژیم خمینی الحاق و ارفه سال پیش تا کنون مترجمی

مقامات مختلف رژیم را در محافل مختلف بین المللی بمعینه داشته است.
نکته مشتمل کننده و در عین حال متضاد دیگر در گزارش امروز گالیندویل شکایات مرفوعه و شکجه گران رژیم از مقاومت ایران و مخصوصاً جاهدین است. گویا مجاهدین قدرت حاکم را در ایران بدست آورده اند که اکنون سردمداران و مزدوران رژیم - چنانکه از گزارش گالیندویل پیداست - حقوق بشر خود را از مجاهدین طلب می کنند!
راستی که وقتی خرافت و وجدان بار سفر می بندد جای جلال و قربانی نیز عوض می شود.
مقاومت ایران به این وسیله مراتب اعتراض و اشعز از خود را فویا به دبیر کل ملل متحد ابراز می کند. همچنین به تمامی دست اندرکاران و طرفهای بدیع همدار می دم که اگر کسی گمان کرده است با تحریف حقایق می توان چهره ملایان خون آشام حاکم بر ایران را بزرگ نمود و با آنها کنار آمد، سخت در اشتباه است.

چهره این دیکتاتوری مذهبی قرون وسطایی که جنگه طلسمی و صدور تروریسم ذاتی آن است و خسود آشکارا اعلام می کند که ضوابط قضایی و حقوقی آن برپا متفاوت با اعلامیه جهانی حقوق بشر است. آندین ساه و تباه و ننگین است که با آب هفت دریا نیز قابل شستشو نیست.

چنانچه معزول خمینی نیز تصریح کرده بود که ایران خمینی فقط کشور قاتلان است و امروز سردم جهان بمعینه می بیند که بعد از مرگ خمینی نیز باز هم اعدام و شکنجه و خلق آویز و سرو دست بریدن و گردن زدن بطور فزاینده ادامه دارد.
بنا بر این هر کسی که با سردمداران این رژیم دست همکاری و اتحاد بدهد همچنانکه مقاومت ایران از سالها قبل گفته است تنها دست خود را نجس کرده است کسی که از افعی انتظار زائیدن کیوتز داشته باشد احق است و ضمناً از یاد برده که کارگزاران این رژیم در این امام همچون غریقی هستند که برای فرار از سرگ محتوم خود به هر وعده و وعید و فریب کاری متشبث می شوند. لاکن هرگز راه نجاتی نخواهند یافت و سرنوشتی بهتر از سرنوشته جانشینان نیست.


صعتر از همه اینها و در وای تمام مطالب و نکات دیگر ضروری می دانم از سوی مردم ایران و مقاومت عادلانه ایران برای صلح و آزادی به تمام جهانیان و مجامع بین المللی و دولتهای مختلف اعلام کنم که ترغیبها و توطئه های بلایای رژیم خمینی هر چند هم حیل گرانه و آمیخته با وعده و وعید به این و آن باشد در اراده قاطع مردم ایران برای نیل به آزادی و خلاصی از حاکمیت خون آشام خلیعی وارد نمی کند.

آزادی این خلق اسیر با شکنجه و خون و رزم بسی امان رسیدنترین فرزنداناش رقم خورده و تضمین شده است. آن کسی که همچون فرزندان آزاده و دلیر ایران از شقه شدن نپراسد سرانجام قیهر و ملامتان را از است به زبر خواهد کشید.

ملت ایران چه در جریان سرنگون کردن دیکتاتوری شاه و چه اکنون در جریان سرنگون کردن ملایان درخیم عزم جزم کرده است تا خون سهای آزادی را بسپردا زد و در این میان گزارشات خردوش و مغرضانه وردیلانه جز کف های زودگذری بر روی رود خروشان خون سهای آزادی پیش نیست.

انچه اصالت دارد نه این قبیل صداهای قبیح و دروغ نیکه بانگ رسای مردم برانگیخته ایران و ارتش آزادی است. مردمی که بار دیگر در تظاهرات قهرمانانه اخیر خود نفی تمامیت استبداد سگاه مذهبی را با تمام باند های آن (اعم از خامنه ای و رفسنجانی) خواستارند.
مسئول شورای ملی مقاومت
مسعود رجوی
۱۹۹۰/فوریه/۲۶

درکتیرو توزیع آشمار سازمان بکوشید


جاودان باد ۱۹ بهمن
سالروز جنبش نوین کمونیستی ایران
خلق قهرمان، در هر کجا و شرایطی که هستید
در هسته های مقاومت مسلحانه متشکل و با دامن زدن به
مبارزات روزانه همه افشار خلق، راه را برای حمله نهایی
هموار سازید. مرگ بر رژیم خمینی
پیش بسوی سازماندهی قیام مسلحانه توده های خلق.
سجفخا - واحد فدایی شهید منصور اسکندری

این تراکت در ۱۹ بهمن توسط رفقای سازمان در تهران چاپ و در شهر زیبا، کوی فردوس، آرسا شهر، خیابان ستارخان و خیابان کرگان پخش شده است.

گزارشی از برگزاری مراسم ۱۹ بهمن

در کردستان

سخنرانی رفیق سعید بردانپناه
عضو کمیته مرکزی سازمان

توضیح: این سخنرانی با تغییراتی جزئی از کردی به فارسی ترجمه گردیده و از روی نوار پیاده شده است.

رفقای گرامی
همپایان عزیز

پیش از هر چیز لازم می‌دانم از مصمم قلب همه شما که با حضور و شرکت در این مراسم شکرگزارم، تشکر نمایم.

امروز ۱۹ بهمن، هجده سال از آن روزی که شهید مردان فدایی در مل جلوی جنگهای شمال ایران پرده شد تیره و تاریک کنکاتوری را دریده و دیمین مسیح آزادی را به طغیان نوید دادند، می‌گذرد ۱۸ سال پیش روزندگان فدایی پس از ۶ سال کار تدارکاتی مبارزه مسلحانه توانستند با وحدت و گروه از این جزایر، یکی به رهبری رفیق کیمیرمان شهید بسزنی جزایر و دیگری به رهبری رفیق شهید سمود احدزاده بایسکه سهاکل را خلق صلاح کرده و بعد از آن سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را بنیاد نهادند.

مبارزه مسلحانه سال ۲۹ براساس تحلیلی که از اوضاع سیاسی آن وقت ایران ارائه شده بود، انجام پذیرفت. تجربه شکست رفرمیسم خیانتبار حروب توده، وجود دوران رکود سیاسی، شکست تشکیلهای محدودی که صرفاً به "کار سیاسی" روی آورده بودند و... روزندگان فدایی را به سوی مبارزه مسلحانه به مثابه خط سنی انقلابی که می‌توانست آن فضا را بشکند و حرکت نویسی را ایجاد نماید، رهنمون کرد. چریکهای فدایی می‌خواستند به همه آزادیخواهان و انقلابیون، به کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم ایران نشان دهند که اوضاع و احوال در آن رکود سیاسی رژیم شاه جدا از شرایط اقتصادی و اجتماعی آن، بیشتر ناشی از عدم وجود یک پیشاهنگ آگاه و انقلابی است که بتواند با تحریک انقلابی، مسلحانه خود، راه و رسم نویسی را در مقابل تودهها قرار دهد. ما امروز می‌توانیم بر افتخار اعلام کنیم که رفقای ما، رهبران شهیدمان، با موفقیت توانستند آن مسئولیت خطیر را به انجام برسانند. اما مسأله ۲۹ شریه پلیسی، یکی پس از دیگری در سالهای ۵۲ - ۵۵، اولی با شهید شرف رفیق کیمیرمان بسزنی جزایر به مثابه اصلی تریستن تئورسین و استراتژی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و در سال ۵۵ با شهید شدن رفیق حمید شرف و اکثریت اعضای کمیته مرکزی، سازمان ما نتوانست آن مسئولیت بزرگی را که شروع کرده بود همچنان با سر بلند و موفقیت به انجام نیاورد برساند. در اولین قدم دسته‌های کوچک و تفکرات توده‌ای در سال ۵۵ جدایی خود را از صف سازمان اعلام کرد. همزمان بحران عمیق سیاسی، ایندولوز-یک و تشکیلاتی در سازمان ما منطقه سیست، بحران همراه با قیام بسزنی و بعد از آن هر چه بیشتر تعمیق یافت و سازمان نیز کرد، که سرانجام باعث انقباض بزرگ اکثریت - اقلیت گردید. همچنانکه رفقا بسزنی و دوستان عزیز می‌دانند، جریان اکثریت با حمایت تام و تمام از رژیم خمینی بزرگترین خیانت را در تاریخ معاصر ایران مرتکب شد. جریان انقلابی اقلیت هر چند در اولین گام توانست از شی انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی به مثابه رژیم سیاسی دیکتاتوری - بورژوازی دفاع کند، اما به علت اینکه از نظر ایندولوزیک - سیاسی نتوانست اوضاع جدیدی را که بوجود آمده بود عمقا درک کند، همچنین از نظر تشکیلاتی مناسبات صحیحی را بر اساس اصول سائیرالسم - دیکراتیک بی برزی کند، به دسته‌ها انضباط بدی های مختلف تقسیم شده و سرانجام سرور انضباط مکرر را شاهد شدیم.

ما گرایش از جریان اقلیت بودیم. گرایشی که به تمام معنا از گذشته بر افتخار سازمان دفاع می‌کرد و برچیدار دفاع از گنه نظریاتی بودیم که رفیق بسزنی براساس به ارمان آورده بود، نظراتی که از ابتدا نقش اساسی در تشکیل و تکامل سازمان فدایی داشت. بگذارید من در اینجا خطوط عموسی آن را در ۴ اصل خلاصه کنم:

الف - اعتقاد عمیق به مارکسیسم - لنینیسم به مثابه ایندولوزی رهایی بخش طبقه کارگر. نفسی هر نوع طبق گراشی و وابستگی به هر طبق بین المللی، حال آن نقد شوروی باشد یا چین و یا آلبانی، پیداست که در آن موقع میان جریانات "چپ" طبق گرای معمول بود، حزب توده وابسته می چون و چرای دیپلماتی شوروی بود، جریانات دیگری هم

بودند که طرفدار چین و یا البانی و... بودند. سازمان فدایی این اصل را برای ما به ارمان آورد که چپ ایران باید مستقل باشد. براساس تجربه خود، تحلیل خود و برآورد وضعیت و شرایط سیاسی خاصی ایران، خط و منی سیاسی خود را تعیین کند.

ب - اینکه در شرایط دیکتاتوری و اختناق شکل محوری مبارزه، مبارزه مسلحانه است و دیگر اشکال مبارزه در خدمت آن باید قرار گیرد. در غیر این صورت، همچنانکه تجربه گذشته نشان داده و امروز نیز دو باره ملاحظه کرده است، غیر از شکست، ذلت و خیانت هیچ چیز دیگری در پی ندارد. تجربه اسرور نشان می‌دهد هر نیرویی که در میدان مبارزه مسلحانه پیرو دوام مانده باشد، رشد کرده و پیشرفت نموده و مراحل تکامل خود را یکی پس از دیگری طی کرده است. و هر نیرویی که نتوانست و یا نتوانست مبارزه مسلحانه انقلابی را بکار گیرد، موجودیت سیاسی - اجتماعی خود را از دست داده و حداقلر به صورت محافل غیر سیاسی و بی تحرک خارج از کشور و یا در داخل کشور در اضماعه است. این امر امروز به عینه مشاهده می‌شود و احتیاج به تفسیر و تحلیل عجیب و غریبی ندارد. حتی جریاناتی که مجبور شدند در مبارزه مسلحانه گردنشان شکست بخورد به مبرانی که این شکل از مبارزه را بکار گرفتند، موجودیت فعال سیاسی خود را حفظ کردند. زمانیکه مبارزه مسلحانه را کنار گذاشتند موجودیت سیاسی خود را روز به روز از دست دادند.

ج - اینکه به لحاظ سیاسی مبارزه برای دموکراسی در جامعه‌ای که دیکتاتوری بر آن حاکم باشد، محوری - ترین خواست کارگران، زحمتکشان و خلقهای تحت ستم است. بر این اساس نباید در این جامعه تضاد خلق با ضد خلق، خلق با دیکتاتوری است.

د - اینکه اگر این درست است که در یک جامعه دیکتاتوری، مبارزه برای دموکراسی محوری است، بنا براین آن نیروهای که بنیوه انقلابی برای استقرار آزادی و دموکراسی مبارزه می‌نمایند، می‌توانند در یک جنبه، ائتلاف و... با هم همکاری کرده و متحد شوند. تلاتر این اصول این مقصود از اصول نظری سازمان فدایی بوده است.

این نظرات از اعتقاد ما فقط مربوط به گذشته نیست، بلکه هم اکنون نیز صحت خود را به تمامی حفظ کرده است و تنها باید با شرایط جدید تطبیق داده شود. اما تکلیفانه گرایش کنکاترینی حاکم بر اقلیت به تنها بر مبنی بنیادهای نظری ذکر شده مبر تأکید نمی‌گذاشت. بلکه روز بروز بیشتر و بیشتر حامیان واقعی این نظرات را از خود فشار و تحقیقات سازمانی قرار می‌داد. تا اینکه با آغاز در سال ۱۳۶۲ گرایش اصولی درون سازمان اقلیت به محور به جدایی شده و در شرایط دیگر و به شکل دیگری فعالیت خود را از سر گیرد. زمانیکه ما در هیئت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرو برنامه (هویت) خود باره شروع به فعالیت کردیم، براساس اصل خیلی با اهمیت بود، اول اینکه در همان قدم اول به لحاظ سیاسی اعلام کنیم که ما به یکدیگر تریستن مدافعان خط ایندولوزیک - سیاسی ای هستیم که از اساس در تشکیل سازمان فدایی نقش برجسته داشته است و سازمان فدایی با آن تکامل یافته است و دیگرانی که با سوء استفاده از نام فدایی فعالیت می‌کنند به هیچوجه مستحق نبودند و صلاحیت استفاده از نام فدایی را ندارند. دوم اینکه، چگونه می‌توانیم این ادعای درست سیاسی را به لحاظ عملی و سازمانی ثابت بخشم، ما در مراحل اولیه شروع مجسمه فعالیت به دلایل ذیل نمی‌توانستیم نام کامل و بی کم و کاست سازمانی را بکار گیریم: اولاً از نظر کمی بسیار ضعیف بوده و می‌توانیم بگویم چند نفر بیشتر نبودیم. ثانیاً هیچگونه امکانات مالی، تبلیغاتی - تدارکاتی، ارتباطی در اختیار نداشتیم. سکتارستها همه امکانات سازمان را غصب کرده بودند. ثالثاً موقعیت سیاسی کنکاترست ها هنوز در سطح جنبش مساعد نبود. رابعاً همه دوستان ما، حاضر نبودند رسماً با ما همکاری نمایند. خامساً برای ما منافعت گروهی در درجه اول قرار نداشت. بلکه پیشرفت مبارزه همه جانبه انقلابی علیه رژیم خمینی مطرح بود. از این رو فکر می‌کردیم اگر کنکاترست ها ذراتی دیگر بنیاسلی انقلابی را وجود دارند بگذارید بدون اینکه ما مانعی باشیم آنها را به خدمت بگیرند. بنابر این دلایل ما می‌بایستی در نامگذاری خود همه مسائل را لااقل در نظر بگیریم، در نتیجه پیشنهاد "پیرو برنامه (هویت)" را به نام اصلی سازمان اضافه نمودیم. اما بعد از ۶ سال، اسامی در اجلاس کمیته مرکزی این ساله مورد تحلیل و بررسی اعضای کمیته مرکزی قرار گرفت و به اتفاق به این نتیجه رسیدیم که دیگر منتهیات "پیرو برنامه (هویت)" بنابر شکل و محتوای واقعی سازمان ما نیست. چرا که ما به لحاظ سازمانی اصلی ترین مراحل بازسازی

سازمانی و تشکیلاتی خود را با موفقیت به انجام رسانده‌ایم، همچنین کنکاترست ها شقه شده‌اند. بخشی از آنها دیگر بعنوان جریانی مطرح نیستند، تپکارند، جنایتکارند، با سرویس های امنیتی بین المللی بر ضد مبارزه انقلابی مسلحانه ایران همکاری کرده‌اند، و دستشان به خون ۵ نفر از رفقای خود آغشته است. در همین رابطه بخصوص یاد می‌کنم که به نام حسین زهری (بهرام) شناخته شده است. بخشی دیگر از آنها اصلاً موجودیت سیاسی - تشکیلاتی انجمنی ندارند. شاید خیلی از شما با بدانان باشد که در سال ۶۲ زمانی که برنامه (هویت) اعلام شده بود، آنها (سکتارست های منحرف) اعلامیه‌ای صادر کردند مبنی بر اینکه هر کس (منظوران ما بودیم) به اسم فدایی فعالیت کند ما حواسش را خواهیم گرفت، چنین و چنان می‌کنیم. بسیار خوب رفتا، ما به آنها می‌گوئیم! بعد از شش سال (حالا کجا هستند و چرا حال نمی‌آید جلو فعالیت‌هایمان را بگیرند. راستی چرا پیدایشان نیست؟ بله، ۶ سال ما به جلو آمدیم و آنان میسر نظیرای و تلاشی را بی‌موردند.

پس کمیته مرکزی سازمان تصمیم گرفت مسأله حذف "پیرو برنامه (هویت)" را به درون تشکیلات برده تا بعد از نظر خواهی از اعضای سازمان، تصمیم نهایی اتخاذ شود. چنین بود که خوشبختانه با استقبال همه رفقا و به اتفاق آرای همه اعضا، و کاندیداهای عضویت سازمان مواجه شدیم. از این رو امروز در ۱۹ بهمن ۶۸ اعلام می‌داریم که دیگر "پیرو برنامه (هویت)" پسوند نام سازمان ما نیست و حذف می‌گردد. نام کامل سازمان ما "سازمان چریکهای فدایی خلق ایران" است. بی کم و کاست، بگذارید همینجا اعلام کنم که پیشمرگان سازمان تصمیم گرفته‌اند، اسامی پیش از هر سالی به گذریش مبارزه انقلابی مسلحانه مبارزت ووزند. بگذارید همینجا از دوستانمان در خواست همکاری بیشتر سیاسی - نظامی بنمایم و همبدا بکار دیگر از رهبری پیرو گنگره هتم حزب دموکرات خواهیم که دست از هرج و مرج طغی برداشته و به جنگ داخلی در کردستان پایان نخشند، تا که همه پیشمرگان کردستان بتوانند بیشتر از قبل به وظیفه انقلابی خود در گذریش و انجام مبارزه مسلحانه عمل نمایند. رفقا و دوستان عزیز

می‌خواهم امروز در مورد وضعت بین المللی، داخلی و مسأله کرد بطور مختصر نکاتی را متذکر شوم:

وضعت امروز جهان را می‌توانم بطور خلاصه در ۲ بند بیان کنم:

اول اینکه از نظر روابط بین المللی بین دو نقطه اول و کلوک متضاد در سطح جهان تغییرات کیفی به وقوع پیوسته است. ما شاهد دوران جدیدی از روابط شرق و غرب هستیم. شاخص این روابط را تاخام، سازش و مصالحه در همه زمینهها تشکیل می‌دهد. حدود و تقعر روابط جدید به مسأله جنبش های رهایی بخش ملی (به گفته آمریکایی ها "گائون های تشنج" نیز کشیده شده است، برای ما این جزء از کل مسأله از اهمیت حیاتی برخوردار است. چرا که خود جزئی از کل جنبش های رهایی بخش در سراسر جهان هستیم. به اعتقاد من امکانی روابط بین المللی جدید در عرصه جنبش های رهایی بخش بدین قرار است که از یک طرف نیروهای اصلی و انقلابی را جهت تکمین به سازش و مصالحه‌هایی که بنابر منافع واقعی توده‌های مردم نیست و دست کشیدن از اشکال قهرآمیز مبارزه، تحت فشار قرار می‌دهد و از طرف دیگر باعث تقویت گرایش و جناح راست که می‌گوید با تسلیم به شرایط بین المللی آق رهایی را در سر نیز مذاکرات با نیروهای بین المللی و بخصوص غرب و آمریکا ترمیم کند، می‌شود.

بند دوم شرایط کنونی جهان بحرانی معمولی است که کشورهای سوسیالیستی بدان دچار شده‌اند. همه رفقا و دوستان گم و بیش در جریان اخبار و اطلاعات هستند و می‌توانند دانسته تغییر و تحولاتی که در بزرگ شرق در جریان است را مشاهده نمایند. در بعضی نقاط احزاب کمونیست وارد ائتلاف شده‌اند، در بعضی دیگر خود را منحل کرده‌اند، در برخی دیگر - های خوین بوفوع پیوسته، عده‌ای دیگر درگیری تغییرات درونی هستند. در شوروی دست به گریبان بحرانی عمیق و بعضاً درگیری های خوین هستند. در اینجا برای ما جدا از تحلیل ریشه بحران کشورهای سوسیالیستی، راه حلی که برای خلاصی از بحران نیز ارائه می‌شود جاست اهمیت فراوان و چه بنا درجه بلد است. به عقیده ما بطور خلاصه جنبه‌هایی از راه حل‌هایی که در مقابل بحران موجود در کشورهای سوسیالیستی قرار داده می‌شود، راه حل‌های قطعی بورژوازی هستند که نمی‌تواند اثرات منفی در

گزارشی از برگزاری مراسم ۱۹ بهمن

در هلند
سخنرانی رفیق منصور
از مسئولین سازمان

از صفحه ۱

و تسلیم تن ندادند و بدین سان آموزگاران جاسارت و جاجات انقلابی شدند.

رفقا! در شرایطی که جنبش انقلابی و دمکراتیک میهن مان در لجنات حساسی به سر می برد، خراسان از همه ارزشها و بین انقلابی امری است ضروری که ما نیز خود را در آن سهم می دانیم؛ باشد که، پیوند و همبستگی همه رزمندگان راه آزادی ما را در دستیابی به آرمانهای رزمندگان فدایی که همانا نابودی شرک کونه ستم و استثمار است تضمین سازد.

همچنین در پیام هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران - هلند آمده است:

"سالگرد حماسه سهاگل و خاطره آن آنگستر فراموشی ناپذیر انقلابی علیه دیکتاتوری شاه خاشن در جنگهای خونریزگی گلان و تولد چریک فدایی خلق گرامی باد. حماسه‌ای که اگر چه در خون نشسته اما به قیمت روح و خون فدائیان دلیری که در صحنه‌های مختلف نبرد انقلابی علیه رژیم شاه خاش جاسان باختند بر بی عملی و در جا زدن در تئوری های صرف پیروزه در میان روشنفکران و معتمدان مارکسیست خط پایان نهاد. در نوزدهمین سالگرد حماسه سهاگل ایورتونیست ها و تسلیم طلبانی که در فتنه کسور و هیتریک به مبارزه مارکس و انقلابی و الترناتیو دمکراتیک انقلابی شورای ملی مقاومت و نیو-سرووی محوری آن، نام و یاد فدایی را وسیله تسوار داده بودند پس از سلسله‌ای از اشتعاب و انشقاق و کشتار، بالاخره تجزیه و از صحنه سیاسی محو شدند و جز عده‌ای سارق و تسبیکار و امانده چیزی از آنها بجای نمانده است. در حالیکه سازمان شما بعنوان اداسه دهمه راه پیششار فدایی جایگاه شایسته خود را در شورای ملی مقاومت، این تنها جانشین دمکراتیک و مستقل و انقلابی رژیم ضد بشری خمینی که اصیل ترین و درخشانترین محصول سیاسی مبارزات تاریخی مردم میهن است، باز یافته است."

قسمت اول برنامه بدین ترتیب به پایان رسید. در قسمت دوم، رفیق منصور یکی از مسئولین سازمان به ایراد سخنرانی رایع به حذف پیوند، پیرو برنامه هویت و " و چگونگی تکوین پیروسه دستیابی ساز صلبان به این امر پرداخت. که شروع سخنان این رفیق در همین شماره نشریه به چاپ می رسد.

بدینال سخنرانی رفیق منصور، اشعاری از رفقا خسرو گلسترخی و میژن جزئی توسط دو تن از رفقای هوادار به صورت دکلمه به اجرا در آمد و سپس گروه هنری " دریا " به اجرای چند آهنگ پرداخت.

قسمت نای بعدی برنامه رقص کردی و پس از آن تکوازی پیانو و در پایان، گروه سرود پویان مراسم را با سرود " پرچمدار سمدگشان " به پایان برد.

سخنرانی رفیق منصور

همانطور که در بیانیه سازمان شرح داده شد، از این پس پیوند پیرو برنامه هویت از نام سازمان حذف و عنوان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بگانه معرف آن خواهد بود. خوب، ما این تحول را چگونه ارزیابی می کنیم؟ آیا صوری و فرمالیستی ست یا اینکه ریشه در عمیق ترین وجوه سیاسی - ایدئولوژیک حاکم بر پیروسه اعلام برنامه‌ی ما از تیرماه ۶۲ تا کنون دارد؟ برای پاسخ به این سوال اجبارا باید به گذشته بازگشت. باید به بررسی و تفحص در شیوه‌ی

تفکر و عملکرد ۶ ساله جریانانی پرداخت که هر یک مدعی بدوش کشیدن رسالت و سنت فدایی بودند و ساتار از فضای سیاسی و اجتماعی که در آن حرکت می کردند با این مقوله برخورد می کردند.

با این وجود هر گاه پیش از هر مطلبی نمادهای هویت و شخصیت جریان فدایی تعریف نشود، باساح ما نیز به سوال یاد شده کافی نخواهد بود. نشانه‌هایی که از چهارجوب تفکر سیاسی و ایدئولوژیستک آن منتج و همانگونه که درمجموعه در قیام بهمن موجودیت سازمان را در انحصار توده‌ها نمایندگی می کرد. این سبیل ها نه خیالی و نه آفریده انسانه سراسان بودند. مردم حسارت و شهادت فدائیان را تحسین می کردند چرا که به یاد داشتند و با دیده و خواننده بودند که چگونه تسلیم طلبی اشکار حزب توده در ۲۸ مرداد ۴۲، جنبش ملی به رهبری سمدق را عملا به سمت شکست سوق داد و خود ناظر بطرف کودتایچیان شد. در حافظه تاریخی توده‌ها از سهاگل تا نسرووی هوایی، از صفائی قراهانی تا احمدزاده و یوسکان و از حمید اشرف تا میژن جزئی خطی متحد آرمانهای سازمان بر جای مانده بود که بر فرمت طلبی و بقای عضفعل قلم می کشید و در نقطه مقابل فلسفه سازش و تسلیم قرار می گرفت. از همین سبب بود که پس از قیام، کارگران، کشاورزان، دانشجویمان، دانش آموزان، کارمندان و اشعار اجتماعی دیگر بسته سازمان روی آوردند و پیرامین آن متشکل شدند تا طی یک دوره این را به بزرگترین سازمان مارکسیست لنینیست و نیز کلا سراسان سیاسی تاریخ معاصر ایران تبدیل کنند. حال بیستم این شاخص ها چه بودند.

جنبش کمونیستی ایران پیش از قیام بهمن، از حیث تئوری و پراکتیک حاکم بر آن دو دوره کاملا متفاوت را شاهد بوده است. دوره اول حاکمیت سادی پی چون و چرای ایورتونیسم را ست و نامیده سادی آن حزب توده مشخص می شود. بنایح فاجعه سیاسی سیاستهای این حزب در به شکست کشیدن جنبش بورژوا - دموکراتیک ۳۲ به شکلی کاملا روشن منجلی می گردد و طمعا بر یک دوره از حیات سیاسی کمونیسم ایران نقطه پایان می گذارد. اما آنچه که بنا بر این روزگاری ۲۸ مرداد و نیمه جان شمن بیکر حزب توده در ایران می رسد، در نقطه مقابل خود در انگار و ادیان کارگران و دانشجویان تازه آغاز می گردد. تجربه آنان از عملکرد و شیوه پیروسه اقتصادی نسبت به هر گونه جنبش سیاسی چپ را دامن زده و جنبش مستقل کارگران را به قیام خود

دوره دوم با حماسه سهاگل در ۱۹ بهمن ۴۹ آغاز می شود و متی رفرمستها را در طرفان شطرنج می گردان شاه به عقب می راند. تولد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در حقیقت اعلام وجود و حضور جنبش نوین کمونیستی یا خط مشی انقلابی بود که میان ایورتونیسم و مارکسیسم بیکار و برای همیشه خط فاصل کشید و چهره هر دو را در برابر توده‌ها به نمایش گذاشت.

تئوری حاکم بر این دوره که هسته بنیادی سنت فدایی را تشکیل می دهد عبارت بود از انتخاب خط مشی مبارزه مسلحانه به مثابه تاکتیک محوری برای مبارزه با رژیم شاه، پایگاه داخلی امپریالیسم و طرد عملی و نظری ایورتونیسم از گانال آن. اس تفکر همگام با پیروسه رشد مبارزه، بسط و تکامل یافته و به سرزهای نویینی دست یافت امری که رفیق کسیر میژن جزئی در آن سهم بسزایی داشت. در تئوری پیشگامان جنبش انقلابی ما بر خلاف آشن مقدس ایورتونیستها به

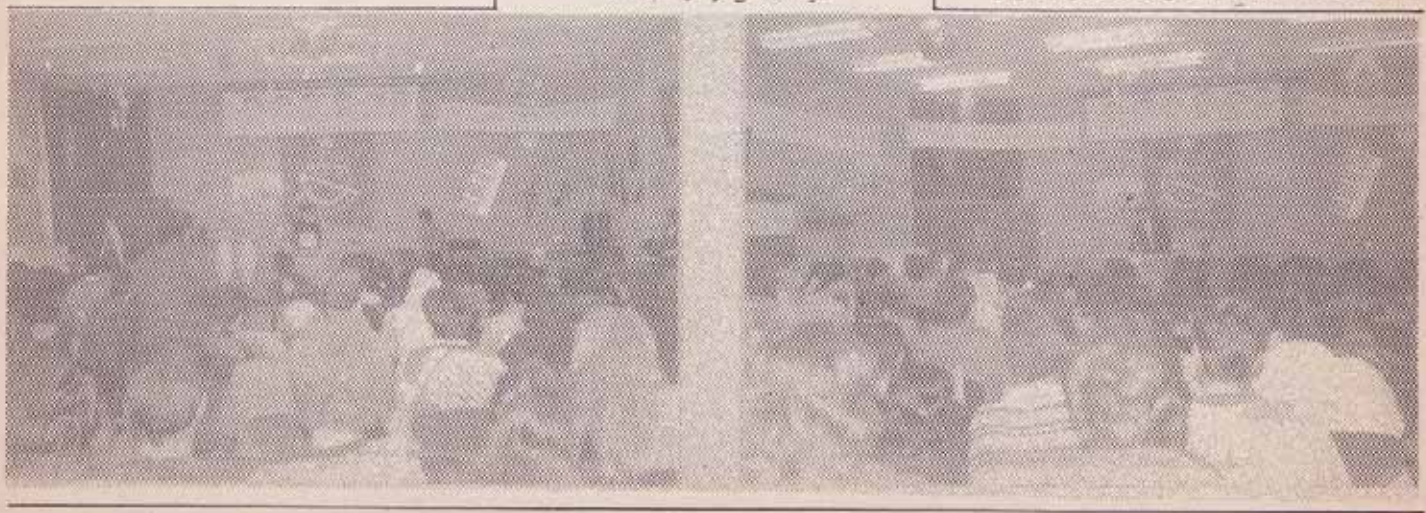
تفسیر جهان و درازگویی بی ثمر اکتفا نمی شود بلکه مستقیماً برای تغییر واقعیات و شرکت در مبارزه طبقاتی تلاش می شود. از نظر آنان مارکسیسم لنینیسم شریعت جاسد نیست و هیچ حکم از پیش تعیین شده ای برای حل معضلات موجود و مشخص ندارد. رفقای ما با برخورد گلشنه‌ای و نمونده و ار مخالف بودند و در نقطه مقابل تفکرات جزئی و دگم اندیشان خشکه مقدس بر استنتاج خلایق و انطباق رسته و پویای مارکسیسم لنینیسم بر شرایط جامعه ایران تاکید می کردند.

با روی کار آمدن رژیم خمینی و در سال ۵۹ مبارزه طبقاتی جاسد درون جامعه بیکار دیگر ایورتونیستها را فعال کرده تا سازمان را بر سر دو راضی و داغ بنا گذشته‌ی سیاسی و تئوریک با ادامه آن به هر قیمت قرار دهند. جریان اکثریت سازمان را به انشعاب کشانید و خود در لجنزار حمایت از رژیم خمینی لیرق شد. اقلیت اگر چه در برائی این اقدام و نیز رژیم خمینی موضع انقلابی انتخاب کرد اما تحلیل نشستی و تعقد تفکرات گرد آمده در آن نمی توانست سبب تحولات سیاسی شتابانی که بهایی صحنه اجتماعی کشور را بر و حالی می کرد، تاثیر گذار بوده و همچنان رل پیششار را بعهده بگیرد.

سر فصل تاریخی ۳۰ خرداد که کجگاهی بود که سیاست ها و مواضع کلیه طبقات و نمایندگان سیاسی آنان از آن می بایست بگذرد. اقلیت در این کسارزار در کنار طیف انقلاب بود اما پس از آن نایکسیر در عرصه مبارزه، واقعیت وجودی الترناتیو شورای ملی مقاومت و ضرورت تقویت عمومی جنبه انقلاب را به فراموشی سپرد و از این رهگذر از کنار مبارزه متحدانهای کلیه جریانات مترقی و انقلابی بر علیه رژیم خمینی گذشت. گنگره اول سازمان در تیرماه ۶۰ تنها به سازش میان جریانات مختلف بر سر برخی موارد مشخص اتمام یافت اما حتی خود مجویات گنگره نیز توسط جریان سکنارستی توکل نفس و زیر پا گذاشته شد. انماله روی از حواقت و بی عملی سیاسی از یکسو و تیره ساختن روابط با جریانات انقلابی و مترقی از سوی دیگر نتایج خود را در عرصه تشکیلاتی به صورت اشتعابات متعدد، باند سازی و فراکسیون سازی، اقدامات تشکیلات شکنانه، سرکوب خود سزانه دموکراسی درون تشکیلاتی و سبب موارد دیگر اشکار می ساخت و نشان می داد که اقلیت از خط و خطوط بنیادگذاران سازمان جدا شده و سرود تا یکسره با اندیشه و عمل انقلابی و داغ کند. امری که نام، یاد و تاریخ پر افتخار سازمان را در معرض تهدید جدی و لبه پرتگاه سرکوب و زدنگی قرار می داد و این درست همان چیزی بود که چریکهای فدایی باید از آن ممانعت بعمل می آوردند.

کمه کودتای باند توکل در خرداد ۶۲ تنها ادای این رسالت را برای مدتی اندک به تاخیر انداخت اما قادر به متوقف ساختن قطعی آن نشد. وظیفه ای عظیم و غول آسا فرا روی سازمان قرار گرفته بود، ابتدا می بایست میان خود و جریان سکنارست خط و سرز می کشید و انرا آشوربه می کرد. سپس جایگاه خود در صنف بدی اجتماعی را معین می نمود و سر آخر بر پایه تفکر و سیرات تئوریک رفقای همچون میژن جزئی و در چهارجوب شرایط مشخص مبارزاتی بسته تدوین میبانی و بنیادی ایدئولوژیک خود می پرداخت و تازه آن هنگام بازسازی دوباره تشکیلات و ارگانهای ضربه خورده در دستور کار قرار می گرفت. اسلام برنامه هویت در تیرماه ۶۲ نقطه آغازی برای اعتلای

گوشه‌هایی از مراسم هلند



نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

گزارشی از برگزاری مراسم ۱۹ بهمن

در کردستان
از صفحه ۲
سخنرانی رفیق سعید بزداپناه
عضو کمیته مرکزی سازمان

وضعیت طیف کارگر جهانی، جنبشهای رهایی بخش نداشته باشد.

اتفاقا در جنبش چپ ایران نسبت به تحولات کشورهای سوسیالیستی مثل همیشه ۳ خط مشی اساسی شکل گرفته است:

۱ - خط راست و رفرمیستی که مربوط به جریاناتی است که در گذشته نیز وابسته به اتحاد شوروی بودند. و در هیئت حزب توده، حزب دمکراتیک مردم ایران، اکثریت (هر دو جناح) و ۰۰۰ خود را نشان می دهند. این خط رفرمیستی به حمایت تمام و کمال و بدون چون و چرا از تغییرات و تحولات در کشورهای سوسیالیستی برخاسته است. تصادفی نیست این جریانانی که امروز به اصطلاح مدافع سرخست "دمکراسی" هستند همه در گذشته در مکتب "امام خمینی" به مبارزه "ضد امپریالیستی" مشغول بودند. البته واضح است که رفرمیسم انبساط اشکالی دیگر بخود گرفته و "سوسیال دمکرات" از آب در آمده است. مشخصه رفرمیسم در شرایط کنونی چنین است:

الف - از نظر ایدئولوژیک نفی مبارزه طبقاتی، به مثابه نیروی محرکه تاریخ و تکامل آن تا استقرار دیکتاتوری بورژوازی.

ب - از نظر سیاسی تلاش برای سازش با بخشی از بورژوازی غیر حاکم در ایران.

ج - از نظر اشکال مبارزاتی تلاش برای محدود کردن مبارزات به چارچوبهای قابل پذیرش در رژیم حاکم و با استراژی امکانات فعالیت قانونی.

د - از نظر اشکال سازمانی نفی انضباط درونی و سازمان انقلابیون حرفه‌ای و وحدت ایدئولوژیک - سیاسی در یک جریان م - ل - تحت پوشش "وحدت در تنوع نظری" - البته عمده‌ای از اینها با را جلوتستر گذاشته و خواهان حذف معیار ایدئولوژیک برای تشکیلهای خود هستند.

۲ - گرایش دوم نیز، همچون گذشته با امپریالیستی یادگاران کشورهای سوسیالیستی خیال خود را آسوده کرده و بحران این کشورها را نیز بحران سرمایه‌داری دولتی می‌نامند.

۳ - گرایش سوم مربوط به چپ مستقل ایران است. اروپایی دقیق و علمی این تحولات برای چپ مستقل انقلابی بسیار حائز اهمیت است. چپ مستقل ایران باید از تجربیات ۷ دهه سوسیالیسم تجربه گسسته نموده و اثر اهره بیشتر مد نظر قرار دهد. نکات و عناصر مثبت این تحولات را جذب نموده و عناصر منفی و مردود آنرا طرد نماید.

اگر بخواهیم مختصرا نگاهی به اوضاع رژیم خمینی بیاندازیم، براساس قطعا روشن می‌شود که رژیم در یکسال گذشته نتوانسته است هیچ کدام از مسائل و مشکلات اصلی بی‌راشه بدان متلا شود، بجز طرف نماد مشکلات و مسائل اصلی رژیم در شرایط کنونی همچنانکه قبلا نیز گفته‌ام عبارتست از: اولاً رژیم خمینی باید تکلیف صلح با عراق را روشن کند. ادامه شرایط نه جنگ نه صلح تا ابد امکانپذیر نیست. طی یکسال گذشته نه تنها هیچ اقدام جدی و کامی موفری در جهت رسیدن به توافق صلح با عراق برداشته نشده بلکه به هیچ وجه در کوتاه مدت چشم اندازی نیز برای آن تصور نیست.

ثانیا مناسبات رژیم با دنیای خارج اعم از غرب و شرق علیه تمام تلاش و کوشش فراوان رژیم و پیشرفتهایی در این عرصه، اما در اصلی ترین و کیفی ترین عناصر آن همچنان در بن بست و انزوا قرار دارد. غربی‌ها و در عرضان آمریکا از رژیم تمپدانیسی را می‌خواهند که در شرایط کنونی و با توجه به بحران و تضادهای درونی آن به هیچ وجه توانایی بر آورد آنرا ندارد. برای مثال ساله مورد تروریسم از دستگاه رژیم و گروه‌های غربی و جبهاتی بودن آن برای رژیم در جهت ایجاد تفاهم با غرب، اما تاکنون نیز هیچ پیشرفتی نداشته‌اند.

ثالثا، ساله وضعیت فلاکت‌بار اقتصاد ایران همچنان به قوت خود باقی است و مدیریت تهدیدات و تصحیلات رستگاری، اقتصاد ایران روز بسزوز ویران تر و درب و داغان تر می‌شود. بنابراین می‌توانم آنچه را که در سال گذشته نیز اعلام کردیم، یعنی اینکه رژیم خمینی محکوم به نابودی کامل است، و باید به وسیله مبارزه مسلحانه انقلابی و با قیام‌توده‌ها به گور سپرده شود، تکرار نمایم.

بگذارد به تازه ساله کرد در پرتو اوضاع بین المللی نیز مختصرا بحثی داشته باشیم. می‌توانم به حرکت اعلام کم امکاناتی که امروز در

گزارشی از برگزاری مراسم ۱۹ بهمن

در همدان
از صفحه ۵
سخنرانی رفیق منصور
از مسئولین سازمان

مجدد سازمان، پیشبرد جدی مبارزه مسلحانه و تحکیم مقوف متحد ما با نیروهای انقلابی و در رأس آنها اپوزیسیون متشکل در شورای ملی مقاومت بود. در برابر ما مشکلات بیشماری وجود داشته که برخی از آنها زائیده سطح فوق العاده نازل تدارکاتسی - امکاناتی مان و بعضی نیز ساخته دست سوسیالیسم - فراوان مارکسیسم - لیننیسم از منتها الیه چپ تا ماورا راست بود. اقداماتی که از بایکوت شروع و به برخوردی غیر سیاسی و حتی تهدید به ترور فیزیکی ختم می‌شد. در برابر طوفانی مداوم از افزایش اتهامات استادگی کردیم، اما هیچگاه تسلیم شرایط و مبارزه ممکن نشدیم. برای سازمان دفاع از حیثیت خود و گذشته‌اش تنها در قالب استراژی شرکت فعال در مبارزه طبقاتی معنا داشت و هم از این رو بود که عملکرد ما بطور دیالکتیکی اقدامات مخالفان را خنثی و نفی کرده و در بعد اثباتی آن هویت سیاسی و اجتماعی سازمان را بدشو برجسته‌ای در میان دیگر مدعیان دروغین نام فدایی - شاختس می‌نمود.

همانگونه که گفتم برنامه هویت تا حدود زیادی موقعیت همه جانبه ما را معین و از این نظر انسرا تامین کرد. بر این اساس ما جایگاه خود در کنسار نیروهای انقلابی و مترقی در الترناتیو دمکراتیک شورای ملی مقاومت را یافتیم و در اولین اشتراک سیاسی پایدار در تاریخ معاصر ایران مبارزه طبقاتی را نه بطور کتابی و ذهنی که در عمل تجربه کرده و به پیش بردیم. اعتقاد سازمان به مبارزه مسلحانه و عنوان تاکتیک محوری برای سرنگونی رژیم حاکم از آنجا که یک تعارف سیاسی و با بدشرف اصولی و نفی عملی نبود، در اولین گام خود ارگان کمیته کردستان سازمان و واحدهای پیشساز را بنیاد نهاد که اکنون یکی از چند نیروی قدرتمند منطقه بشمار می‌آید و در قدم بعدی به حمایت و پشتیبانی همه

بخانه بین المللی برای طرح و بررسی مساله کرد و بچون در تاریخ معاصر بی نظیر است. همچنین رفقا در جریان هستند امسال اولین کنفرانس را چه به سبب آنکه در پارسی برگزار شد. برای جریانات انقلابی و مترقی کرد و چپ ایران تحلیل درست از این امکانات بین المللی استفاده درست از آن حائز اهمیت فراوان است.

ابتدا باید بدانیم امروز بر پایه چه سلفهایی بخشی از جریانات حاکم بر کشورهای اروپایی در تلاش طرح مساله کرده‌اند و نگاه روشن کنیم که جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد چگونه و تا چه اندازه می‌تواند از این امکانات استفاده نماید. به اعتقاد من در این اوضاع و احوال دو انحراف خطرناک جنبش کرد را تهدید می‌کند. اولاً انحراف راست که با توجه به باز شدن فضای بین المللی، به مبارزه مسلحانه انقلابی و توده‌های مردم (مثابه عرصه اصلی و اساسی جنبش کرد) را به کنار گذاشته و همه چیز را در سازش و صلح از طریق امکانات بین المللی می‌بیند. بیداست که برای این جریان راست امکان گسب پیروزی میسر نیست. بلکه تنها امکان به بازی گرفتن آن وجود دارد. ثانیاً انحراف چپ روانه که به دلایل واهی استفاده از این امکانات را مردود می‌داند. به عقیده من خط مشی سیاسی درست در این رابطه آنست که با انکاء اصلی به مردم کرد و سازماندهی مبارزات توده‌ای و مبارزه مسلحانه انقلابی، از شرایط بین المللی بهترین استفاده را نمود. تجربه فلسطینی‌ها در این عرصه بسیار آموزنده است. سازمان آزادی بخش فلسطین زمانی توانست به تمام معنا ترجمه بین المللی مبارزه را اشغال نماید و در این عرصه حرف آخر را بزنسد، همچنین خود را به همه قدرتهای بزرگ تحمیل نماید و اداراتش به مذاکره کند، که "التفاهه" یعنی قیام هر روزه خلق لهرمان فلسطین بوجود آمد. روشنی است تا زمانیکه "التفاهه" وجود داشته باشد و قیام مردم فلسطین همچنان شعله‌ور باشد، سیاف می‌تواند همه توطئه‌های بین المللی را نقش بر آب سازد. بنابراین نیروهای انقلابی - دمکراتیک جنبش کرد زمانی قادر خواهند بود که خود عامل اصلی و طرف اصلی و سعادت بین المللی باشند که آنکه به مردم و مبارزه انقلابی مسلحانه توده‌ای را از دست نداده باشند.

رفقا و دوستان عزیز بیش از این وقتشان را نمی‌گیرم، امیدوارم که سال آینده در ایرانی آزاد و دمکراتیک و گردستانی خودمختار، ۱۹ بهمن را جشن بگیریم.

جانبه از مبارزه مسلحانه سراسری پرداخت. در بعد بازسازی تشکیلات، سازمان ما طی ۶ سال بتدریج کلیه ارگانهای خود را بوجود آورده و باتریمیم و تکمیل کرد. به اوزارات رشد کیفی، خطوط سیاسی سازمان در میان طیف وسیعی از محافل سیاسی و مردم عادی مطرح و حمایت‌ها و پشتیبانی‌های بسیاری را متوجه آن ساخت.

در مقابل باید توکل نتایج چند سال بی عملی و تکرار ذهنیات منجمد شده خود را بطور خودجوش دریافت کرد. در بهمن ماه ۶۲ در قریه کاپلیسون دو جریان از این باند باند دستهای مافیائی برای حل اختلافات خود بطور مسلحانه بجان هم افتادند و تعدادی از دوستان و رفقای خود را به قتل رساندند و سپس هر یک با توکر بورژوازی خواندن طرف مقابل از یکدیگر جدا شده و باصطلاح اشعاب کردند. این حادثه که در نوع خود در تاریخ سیاسی ایران بطور اعم و تاریخ جنبش چپ بطور اخص کم نظیر است نشان داد که این باند را حتی یک جریان سیاسی بسز نمی‌شود تلقی کرد چه برسد به ۰۰۰۰ بهگدریم.

رخ دادهای بعدی صحت نظرات ما را در خصوص باند توکل به اثبات رساند. این باند در اوائل سال ۶۵، همدا با هارتین جناح‌های امپریالیستی و گروه‌های نفوذاستی در فرانسه خواهان اخراج سمود رجوی شدند و حتی تا آنجا پیش رفتند که در محل اقامت وی تظاهرات کرده، خود را با زنجیر محیل بستند و الی آخر. در سال ۶۷ با اخراج توکل توسط یکی از افراد خود بنام زهری بقایای باند ابتدا به دو و سپس به سه دسته منقسم شدند. و بدین ترتیب پرونده سقوط سیاسی و اخلاقی آنان با سیاه‌های از کشتار درون گروهی، اشعابات متعدد با دلایل غیر سیاسی، همسستی با بدنامترین جریانات و غیره به یکی از تمعین کننده ترین نقاط خود رسید.

در اینجا آن رسالتی که ۶ سال پیش سازمان ما را به سوی خود فرا خوانده بود یکبار دیگر و اینبار در قالبی از مطرح شد. درنگ جایز نبود، ما نباید اجازه می‌دادیم بیش از این جریانات منحطی که هیچ وابستگی ایدئولوژیک، سیاسی و تاریخی با سنت فدایی ندارند از نام و ارم سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برای مشروعیت بخشیدن به اعمالشان سوء استفاده کنند. حرکت ۶ ساله سازمان می‌بایست به یک نقطه اوج کیفی در حفظ میراث رفقای شهیدمان ارتقا یابد، براساسی مگر سیر انحطاط و نزول جریانات مدعی و در مقابل آن رشد و پویایی سازمان خود گواه حقایق ما نبود؟ آیا این پرونده می‌توانست پیامی جز این داشته باشد که تنها حاملین صادق اندیشه علمی و انقلابیون وفادار به خلق و انقلاب می‌توانند از سازمان صفایی و احمدزاده جوان و جزئی خواست نمایند؟

بنابراین پس از ۶ سال سرفرازانه، همانطور که در بیانیه سازمان آمده است اعلام می‌کنیم "پسوند پیرو برنامه هویت" از نام سازمان حذف و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران همچنان بوسیله مدافعان واقعی دمکراسی و سوسیالیسم نمایندگی می‌شود". نقطه پایانی که بر پسوند مذکور می‌گذاریم در حقیقت نقطه آغازی است که راه پر شکوه و پسر افتخار شهیدای ساهگل را بی می‌گیرد. ایسن راه مسری ست که سرانجام و بی تردید صدای کامیابی پر ملات کارگران و زحمتکشان در آن طنین خواهد افکند تا به سوی استقلال، دمکراسی، صلح و سوسیالیسم روانه گردد، به سوی برج زهرم فردا.

برخی از رویدادهای تاریخی

- از صفحه ۱۰
- ۲۷ مارس ۱۹۷۶ - پیروزی جنبش راهبشخت مردم آنکولا به رهبری "میلا"
- ۲۰ مارس ۱۹۷۶ - روز زمین برای مردم فلسطین، به مناسبت اشغال سرزمین‌های فلسطین توسط اسرائیل
- ۱۸ آوریل ۱۹۸۰ - استقلال زیمبابوه
- ۶ آوریل ۱۹۸۲ - ترور ملیدا سونترا (آناماریا) فرمانده دوم سازمان آزادیبخش خلق السالوادور در یک توطئه درونی
- ۲۷ مارس ۱۹۸۶ - درگذشت یوری گاگارین، اولین فضاورد جهان

مصاحبه با كاك جليل گادانی

درباره تحولات اخیر در کشورهای سوسیالیستی

كاك جليل با تشكر از اینکه مصاحبه با نشریه نبرد خلق را پذیرفتید، صحبت هایمان را شروع می‌کنیم.

سوال - شما بعنوان یکی از مدافعان سوسیالیسم و عدالت اجتماعی که سالها در این راه مبارزه کرده‌اید، در رابطه با تحولاتی که اخیراً در کشورهای سوسیالیستی اتفاق افتاده چه احساسی دارید؟ و کلاً این تحولات انگیزه‌های شما را برای مبارزه در راه سوسیالیسم تقویت می‌کند یا تضعیف؟

جواب - من هم از شما متشکرم که این فرصت را به من دادید که با روزنامه‌تان مصاحبه‌ای داشته باشم، گرچه من دمکرات هستم و علاقمند بیشتر در حوال برنامه حزب و مساله ملی حرکت کنم لیکن در رابطه با تحولات اخیر که در کشورهای سوسیالیستی اتفاق افتاده می‌توانم بگویم که نتیجه طبیعی نادرست بودن برنامه‌ها و عدم توجه به واقعیت‌های عینی و ذهنی در هر کدام از این کشورها بوده است. و به نظر من این تحولات به هیچوجه نقش سوسیالیسم را به عنوان یک پدیده عالی اجتماعی منتفی نمی‌کند، بلکه مجموعه این حرکات را در تقویت سوسیالیسم می‌بینم و به همین لحاظ این تحولات را همانطور که شما ما نیز در کنفرانس چهارم خود که در تیرماه سال گذشته منعقد گردید مطرح کرده، در تائید پروتريکا بوده و فی الواقع همانطور که خود گورباچف اشاره می‌کند این اقدامات در جهت تقویت سوسیالیسم با بهتر بگوئیم در جهت تضعیف سوسیالیسم موجود به حساب می‌آید و شخصاً این امر را تضعیف سوسیالیسم تلقی نمی‌کنم.

س - اساساً ریشه و ماهیت این تحولات را چگونه می‌بینید و سمت و سوی آنها چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جواب - خیلی طبیعی است که فکر نکنیم برای هر حرکت انقلابی و برای هر اصلاح و دگرگونی باید ارزیابی کافی گذاشت و در عین حال انتظار داشت که عواقبی هم در بر داشته باشد. بدون تردید این تبلیغات فوق العاده شدید و زهر آگینی که اکنون در دنیا غرب علیه این تحولات شروع شده و تقریباً تمام رسانه‌های گروهی غرب قسمت اعظم وقت خود را و برنامه‌های خود را به این مطلب اختصاص داده‌اند چیز ساده‌ای نیست. و این مساله برنامه ریزی شده است. بنظر من اصل قضیه این است که می‌خواهند کلیت سوسیالیسم را زیر سوال ببرند. زیرا زیر سوال بردن سوسیالیسم یعنی تقویت کاپیتالیسم. به این دلیل ما در عین حال که این تحولات را تأیید نمی‌کنیم همانطور که در بالا هم اشاره شد آنها را در جهت تقویت سوسیالیسم واقعی می‌بینیم. در عین حال باید از طرف مسئولین اساسی این تحولات دقت کافی در هدایت درست حرکت بشود. درست نیست این حرکات را در جهت ضدیت با سوسیالیسم جلوه بدهند. تمام این حرکات باید با یک شیوه دمکراتیک تحت کنترل قرار بگیرد و نباید به هیچ شیوه‌ای اجازه داده بشود امل تحولات اصلاحی بسوی گرایش‌ها

نامطلوب و منحرف ضد سوسیالیستی تبدیل بشود. که اگر چنین وضعی پیش بیاید، کنترل غیر میسر خواهد بود و ممکن است به جایی برسد که کاپیتالیسم نتیجه مطلوب خودش را از مجموعه این تحولات برای به زیر سوال بردن کلیت سوسیالیسم بگیرد. و در آن صورت خیلی گران تمام خواهد شد. اگر به شیوه‌های سوسیالیسم به معنای واقعی خودش شکست خورده جلوه داده بشود که الان دارند رویش تبلیغ می‌کنند، در بدنه همه احزاب کمونیست و سوسیالیست اشهر سنی خواهد گذاشت و چه بسا در صفوف دموکرات‌های واقعی هم تاثیر خواهد کرد. لذا ما اعتقاد داریم که این حرکات در مجموع بسوی سوسیالیسم پیش می‌رود و سوسیالیسم گماکان در مقابل کاپیتالیسم موجودیت خودش را حفظ خواهد کرد.

سوال - شما اشاره به نادرستی برنامه‌ها و سیستم پیاده کردن برنامه‌ها و عدم توجه به واقعیت‌های عینی و ذهنی نمودید می‌خواستم این را برایشان بیشتر باز کنید و بهر حال ماهیت این نادرستی را چگونه می‌بینید؟

جواب - راجعه نحوه پیاده کردن برنامه‌ها می‌خواهم به این مساله اشاره نکنم، هر مملکتی و هر کشوری دارای یک موقعیت خاص جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی است. بدون تردید انقلاب اکثر یکس از بهترین پدیده‌های عالم است و بدنای آن توفیقات بسیار سنگین انگیزی چشم خورد. وحشتی که بعد از این انقلاب به کشورهای سرمایه‌داری وارد آمد، آنقدر شدید بود که همانطور که ملاحظه می‌کنید در هر طرف کشور شوراها را مورد حمله و بورس قرار دادند و وضع خاصی که برای اولین کشور سوسیالیستی پیش آمد به حدی حاد بود که شاید خیلی غیر طبیعی نبود اگر تحت این همه فشار نتوانند همه برنامه‌ها - یشان را دقیق پیاده کنند ولی بعد از آن برای کشورهای دیگر این فرصت بود هم به لحاظ متخصص در امور اقتصادی و هم به لحاظ متخصص در امور سیاسی در اغلب کشورها شخصیت‌های بسیار بنام و اندیشه‌مندی بوده‌اند. عامل مهمی که بعضی از این کشورها نتوانستند دقیقاً برنامه‌هایشان را خودشان تعقیب کنند توجه بیش از حد به برنامه ریزی اتحاد جماهیر شوروی بود. و متأسفانه این مساله تا سالهای اخیر هم متداول بوده و خصوصاً در زمانی که سیاست استالینیستی به مقیاس وسیعی بر روی کشورهای سوسیالیستی دیگر هم اثر بخشیده بود هر نوع تغییر نظر و دگرگونی در این الگوی سوره توجه خطا حساب می‌کند. و خود این امر مانع تکوینی بیشتر استعدادها و پیاده کردن برنامه‌های شایسته برای هر کدام از این کشورها بود.

سوال - افرادی هستند که در گذشته از سوسیالیسم دفاع می‌کردند و اکنون تحت عنوان "گرایش نوین" عملاً علیه نظرات قبلی خودشان هستند و بعضی از این افراد تا جایی پیش می‌روند که برای سرمایه داری هیچ الترناتیوی در خارج از آن قائل نیستند. می‌خواستم بدانم نظر شما با توجه به این رویدادها،

الترناتیو سرمایه‌داری را چگونه می‌دانید؟
جواب - این امرانی که شما اشاره کردید با سه معنای واقعی خود سوسیالیسم را درک نکرده‌اند سه عنوان پیشرفته ترین سیستم اقتصادی جهان امروزی و یا اگر اینطور نامود می‌کنند که سوسیالیسم آنطور که آنها انتظار داشتند از آب در نیامده در اشتباهند. زیرا نفس سوسیالیسم هیچ عیب و نقصی ندارد و موازین علمی که سوسیالیسم بر آن مینوا تعیین شده در مضمون خودش به قدرت خود باقی است. این افراد هستند که فی الواقع نظریات شخصی خود را اعمال کرده‌اند و برنامه‌های اقتصادی سلگتشان را دقیق نریخته‌اند که منجر به نتایج مطلوب بشود و خصوصاً دیکتاتوری و اعمال آن در بعضی از این کشورها عامل مهمی در عقب ماندن سوسیالیسم بوده است. لذا بنظر من این افراد اگر در حال حاضر هم بدین و مایوس هستند و احياناً همانطور که از سوال شما معلوم می‌شود فرق چندانی بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم نمی‌بینند باید تعمق بیشتری بکنند و متوجه این واقعیت بشوند که سوسیالیسم و کاپیتالیسم گماکان دو سیستم متمایز و متضاد جهانی هستند. گر چه ما اکنون در بسیاری از موارد بخصوص در زمینه سیاسی، احیاناً در برنامه ریزی‌های اقتصادی آینده تفاهات چشمگیری بین این دو سیستم ایجاد می‌شود ولی واقعیت این است که دنیا کنونی علیرقم همه این تحولاتی که الان در کشورهای سوسیالیستی مطرح است سوسیالیسم را به هیچوجه رد نکرده و سرمایه‌داری نتوانسته موقعیت خودش را طوری تغییر بدهد که سوسیالیسم را منتفی جلوه بدهد و بحران‌ها و تشوهای درونی خود را حل کند. من در شرایط فعلی مثل همیشه سوسیالیسم را الترناتیو سرمایه‌داری می‌بینم.

سوال - یکی از مسائلی که در این شرایط عمده شده است، مساله دموکراسی است. می‌خواستم بدانم بنظر شما علت عمده شدن این مساله، عدم توجه به بنیان‌گذاران سوسیالیسم به مساله دموکراسی بوده است یا علت در جلوگیری ساختمان سوسیالیسم در این کشورها می‌باشد؟

جواب - دموکراسی مقوله مهم جهان امروزی است و دموکراسی نه تنها در کشورهای سوسیالیستی بلکه در همه جهان يك امر ضروری و مهم است. بشریت پیشرفته کنونی برایش فوق العاده مشکل است که بتواند در فضایی بدون وجود دموکراسی به حیات آتی خود ادامه بدهد و به همین دلیل در دهه اخیر بخصوص شکوفایی دموکراسی چشمگیرتر از سابق مطرح بوده است. ولی به هیچ وجه به این معنا نیست که دموکراسی در فلان کشور سوسیالیستی یا دموکراسی در فلان کشور کاپیتالیستی فرقی داشته باشد. چه در کشور سوسیالیستی و چه در کشور کاپیتالیستی دموکراسی به معنای مبیانت حقوق و آزادی‌های فردی و برابری در مقابل قوانین و مزایای مدرن يك امر ضروری و حیاتی است. و اگر مساله دموکراسی در ارتباط با تحولات کشورهای سوسیالیستی در حال حاضر مطرح است و بیشتر روی آن تأکید می‌شود به این منظور است که در واقع کلیه یوانهایی را که در نتیجه تطبیق سوسیالیسم ولو بصورت ناقص در کشورهای شرقی انجام گرفته

مصاحبه با کاک جلیل گادانی

درباره تحولات اخیر در کشورهای سوسیالیستی

و پنجم می خورد تحت الشعاع این مسأله قرار بدهند. من بر این عقیده هستم که سوسیالیسم و دموکراسی به هیچ وجه نمی توانند از همدیگر متمایز باشند. سوسیالیسم واقعی وقتی قابل پیاده شدن است و برنامه های به بهترین شیوه ممکن پیش خواهد رفت که دموکراسی را در بنطن خودش داشته باشد و این دموکراسی به عنوان بزرگسب عملاً در پیاده کردن سیستم اقتصادی تطبیق داده بشود. و من در رابطه با قسمت آخر سوالان نظرم این نیست که تنها فقدان دموکراسی موجب این عدم موفقیت ها شده باشد بلکه دادن سیستم برنامه ریزی ها بر سبب واقعیت ها، کارایی ها و نیروها پایه گذاری شده و در این رابطه دقیق ارزیابی نکردن نیروهای فعال کشورها معضلت ایمان، سهل انگاری ها، به عدم کنترل، به فضا و قدر سپردن ها بوده که این وضع را پیش آورده و من صرفاً این را در تطبیق دموکراسی نمی بینم.

سوال - کاک جلیل من شنیده ام که در کشور ششم حزب دموکرات، جناح قاسملو برای پیشبرد حفظ خودشان که همان خط به اصطلاح سوسیال دموکراسی غربی است، به شیوه های ضد دموکراتیک متوسل شد. اگر امکان دارد در رابطه با تصویب مسأله به اصطلاح سوسیالیسم دموکراتیک در برنامه حزب، برای ما کمی توضیح دهید.

جواب - این چند سال اخیر مد شده بود که هر بار از طرف این فراکسیون یک چیز تازه ای بر حسب تحصیل بشود. در کشور ششم علی الرغیم مسائل قابل توجه و مهم دیگر، آقایان مسأله سوسیالیسم - دموکراتیک را مطرح کردند که در واقع این قضیه در رابطه با جزوهای تحت نام بحث کوناهای پیرامون سوسیالیسم قبلاً چاپ شده بود، به شکل جدی در این کشور مطرح گردید. همه شرکت کنندگان در کشور می دانند که در رای گیری مرحله اول این مسأله با شکست مواجه شد ولی طرفدایی که طبق معمول به شکل خاص خودشان در آوردند توانستند مسأله را بر جو کشور تحمیل کنند. قطعاً همه افرادی که در آن شرایط و در آن کشور بودند این مسأله را بیسواد دارند. و ریاضیاتی ناشی از تحمل آنرا نیز فراموش نکرده اند. من همین دارم که این آقایان تبلیغ ادعای توأم با تظاهر به دموکرات مایی به خود این قضیه هیچ اعتقاد و ایمانی نداشته اند. کسی که در جارجیو حزب خودش نتواند دموکراسی را تطبیق بدهد و بهر طریقی که برایش مقدور باشد حقوق اعضا و به شمرگان و کادرها را با بمال بکند جز به منظور نظامی نمی تواند سوسیالیسم، یا سوسیالیسم دموکراتیک را مورد توجه قرار بدهد. و من معتقدم که این فراکسیون نه تنها به سوسیالیسم حتی به دموکراسی هم هیچ اعتقادی نداشته و ندارند و با لایحه ایی رفتار غیردموکراتیک را آنقدر در کشور و خارج از آن اعمال کردند که حزب را دچار جنین وضعی ساختند. و منجر به این شد که نه دنبال کننده به اصطلاح هشتم که ما آنرا کشور شوم می نامیم رهبری انقلابی پس از طی همه مراحل اساسنامه ای و گوشه ده ها ناگزیر شد اعلام موضع بکند و با استناد بر مسائل

که در آن اعلامیه ۱۰ ماده ای مطرح گشته است - فراکسیون را از حزب طرد بکند. به نظر من اعتقاد و ایمان به هر پدیده ای نیز بزرگترین عامل برای اجرای آن است. و چون فراکسیون اعتقاد به دموکراسی نداشت هرگز در صدد این بر نیامد که علیرغم توجهات مکرر مسئولین و افراد حزبی در رده های مختلف آنطور که باید و شاید دموکراسی را در چهارچوب حزب پیاده کند. و اصل عنوان کردن سوسیالیسم دموکراتیک را ما بیشتر تظاهر می دانیم تا وجود اعتقاد و ایمان به سوسیالیسم از هر نوعی که آنجا بخوانند رویش فکر بکنند. در همان گنگره ششم هم ما در این مورد بیان داشتیم که دموکراسی چیزی است که برای سوسیالیسم و دموکراسی دو چیز از هم جدا ناپذیرند و ارتباط تنگاتنگ و دیالکتیکی با هم دارند. متأسفانه گرچه سخنان ما مورد استقبال گرم شرکت کنندگان در گنگره قرار گرفت این آقایان نتوانستند نظر خود را تحت عنوان سوسیالیسم دموکراتیک بر کنگره تحمیل بکنند و در برنامه آن زمان بگنجانند و ما در کنفرانس چهارم که بعد از اعلام موضوع در تبر ماه سال گذشته تشکیل گردید کلمه دموکراتیک را از آن بند حذف کردیم و به قید سوسیالیسم اکتفا نمودیم زیرا سوسیالیسم معنی و مفهوم خاص خودش را دارد و اگر کسی به آن اعتقاد داشته باشد، در شرایط خود می تواند برای پیاده کردنش هم اقدام بکند.

سوال - در مورد مسائل دموکراسی که اشاره کردید می خواستم نظرتان را در مورد تطبیق این گزاران مارکسیسم در مورد دموکراسی بدانم. جواب - در مورد مسأله دموکراسی در واقع از طرف بنیان گزاران مارکسیسم این مسأله نه به آن شیوه ای که بطور مطلق روی کارگران حساب بشود بلکه مورد اساسی اکثریت نودهای رختکش بوده که چرخ اقتصاد روی دوش آنها می گشته است و بدون شک اگر زمانی در قید حیات خود مارکس همانطور که بعداً هم در زمان خود لنین مسأله مطرح بوده، توجه خاصی به این اکثریت به هیچوجه به معنای نفی بقیه آراء و عقاید و نظرها نبوده و با اتفاق افتاده که با اشخاص مخالف هم در رابطه با مسائل گوناگون بحث و گفتگو شده و از طریق مباحثه توانسته اند برنامه متناسب با آن شرایط را شروع کنند. با توجه به این که در دنیای کنونی نیاز بیشتر به تطبیق دموکراسی احساس می شود اگر این جنبه به شیوه پلورالیستی با بهتر بگویم مورد توجه قرار دادن نظریات مختلف احزاب و سازمان های هر جامعه تامین بته منجر به همکاری سیمبالیست و بر صفائی خواهد شد و به احتمال زیاد در سطح تولید و توزیع عادلانه و اجرای عدالت اجتماعی تاثیر بیشتر و بهتری خواهد گذاشت.

سوال - نظر شما نسبت به سخن گورباچف چیست و چشم اندازتان روی سیاست هایی که پیش می بره چگونه است؟

جواب - بی تردید در دهه های اخیر گورباچف یکی از چهره های فوق العاده درخشان دنیا به سزاه

دنیای شرق است و ابتکارات ایشان به منظور اصلاح سوسیالیسم و هم منظور تطبیق دموکراسی و توجه به تحلی حقوق ملتتها مسائلی است که اهتمام خاصی به آنها تازگی دارد و این کار علاوه بر بینش و ابتکار نیاز به شجاعت و شهامت فوق العاده زیادی داشت که تا کنون این شجاعت و شهامت قابل توجه همان در ایشان دیده شده است. بی گیری ایشان علیرغم مخالفت های زیادی که بصورت آشکار و نهان در داخل خود شوروی علیه ایشان شده جای تقدیر است و خصوصاً جهان بینی ایشان به معنای واقع در شرایط فعلی نه تنها در داخل شوروی بلکه در دیگر کشورهای سوسیالیستی و نیز در صفوف احزاب کمونیست و سوسیالیست تاثیر شگرفی گذاشته است، البته در همه مقیاس های جهانی نیز تاثیر خاص خودش را بخشیده است. بنابراین برنامه های ایشان و کارهای ایشان در مجموع مثبت ارزیابی شده و من به سهم خودم برای ایشان آرزوی موفقیت می کنم.

سوال - تحولات اخیر در صحنه بین المللی تغییرات زیادی ایجاد کرده است. می خواستم بدانم این تغییرات را شما چه می دانید و آنرا چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا تغییرات در سطح بین المللی را بسود جنبش های کارگری، دموکراتیک، ملی و آزادیبخش می دانید؟

جواب - همانطور که ملاحظه می کنید این تحولات موجب تغییرات چشمگیری در داخل خود کشورهای سوسیالیستی گشته و مضافاً در روابط بین المللی نیز مضافاً اثر فراوانی بوده است. همانگونه که قبلاً اشاره شد اگر قضیه به آنجا برسد که مخالفین سوسیالیسم بتوانند آنرا در کلیت خودش نفی بکنند زبان های جنران ناپذیری به جنبش های کارگری، دموکراتیک و ملی و آزادیبخش خواهد رسید. ولی اگر آنطور که قبلاً گفتم این حرکات و تحولات به نفع روال منطقی پیش برود و کنترل در این ممالکسی که تا حالا بنام کشورهای سوسیالیستی مطرح بوده اند و اتحاد قابل توجه و مهمی هم چه در زمینه اقتصادی و چه در زمینه سیاسی بین آنها وجود داشته حفظ شود و در عمل مجال ندهند قضیه از کنترل خارج گردد و برنامه ها را دقیق جلو ببرند و نظریات اصلاحی خودشان را در عمل یا همکاری مردم این کشورها که بزرگترین عامل تعیین کننده خود آنها هستند پیش ببرند. هر چند در حال حاضر بنظر می رسد که همه جنبش های کارگری با بحران مواجه اند، نهضت های دموکراتیک و ملی و آزادیبخش نیز مشکلات زیادی دارند، در یکی دو دهه آینده وضع روشنتر و امیدوارکننده ای پیش خواهد آمد که نتایج بسیار سود بخشی در همکاری بین این نیروها خواهد داشت. خصوصاً در رابطه با مسأله ملی که اکنون بارزترین شکل خود را در خود کشورهای سوسیالیستی دارد باید توجه بیشتری بشود و این توجه کم و بیش مشهود است که قطعاً روی دیگر نهضت های ملی و آزادیبخش اثر مستقیم خواهد گذاشت. اولاً تجارب بسیار تلخ طولانی در این زمینه مطرح است که در بنیان گذاری نهضت های آزادیبخش و ملی تاثیر می بخشد و مضافاً خود کشورهای سوسیالیستی که در بسیاری موارد تاکنون در خارج از محدوده جغرافیایی خودشان توجه کمتری

در رسانه‌های خبری جهان

لیسبنا و آنتی سوسیالیستها نیز از چنین مضمونی برخوردارند.

اما همه سخنرانان چنین عقیده نداشتند. ادوارداس تیتسکیس جانشین رئیس کمیته جمهوری برای کنترل خلقی توضیح داد: "من در سوئدمن بودن انتخابات قریب الوقوع شک دارم. این شروع تغییرات در حزب نیست بلکه کاپیتولاسیون سیاسی، نشویق به گروههای مجزا و گروه گرایی و تلاش برای انفعال در حزب کمونیست لیتوان است. تاثیر سیاسی حزب کمونیست در لیتوان مستقیماً به ارتباط تنگاتنگ آن با حزب کمونیست ا.ج.ش بستگی دارد. فراخوان به تشکیل یک حزب مستقل بدان معناست که حزب کمونیست لیتوان بعنوان یک نیروی مادی از صحنه سیاسی حذف شود."

و ادیم مدودف ایدئولوگ دفتر سیاسی و کسی که در پلنوم سخنرانی کرد، به همین صورت تاکید کرد: "آیا حفظ حزب کمونیست لیتوان اصلاً بعنوان حزب کمونیست خارج از حزب کمونیست ا.ج.ش ممکن است؟ آیا این حزب از جانب دیگر نیروهای سیاسی که از هم اکنون او را تحت فشار گذاشته‌اند و آنها نیز مدعی عملی ساختن علائق ملی خلق لیتوان هستند به دیوار قشره نخواهد شد؟ آیا حزب نباید برنسیب‌های یک موقعیت متفاوت سیاسی خود را تطبیق دهد؟ فراین باره نباید سکوت کرد که گامی اینچنین به انفعال در سازمان حزب جمهوری راه می‌برد."

از خطر انفعال بسیاری سخن می‌گویند. تعداد زیادی از سازمانهای حزب - بخصوص روس ولپتانی زبانها - در صورت تشکیل یک حزب جدید علاقه کمتری به ماندن در حزب کمونیست ا.ج.ش دارند. بنابراین آیا دو حزب بوجود خواهد آمد؟ در فیلیپین تلاش می‌شود تا از اشتباهات خارجی‌ها درس گرفته شود. اما تجربیات کمونیستهای مجارستان نیز می‌تواند جالب باشد. جناح رفرمیست حزب سابق کمونیست مجارستان بسیار امیدوار بود که پس از تغییر بنای حزب سیمانی زیادی در انتظار عمومی گسب کند، اما جریان بر عکس شد. حزب جدید سوسیالیست مجارستان تا کنون تنها بخش کوچکی از اعضا سابق حزب کمونیست را به خود جذب کرده است. کمونیست‌های دیگر تحت رهبری کارلی گروزتسکی اکنون تلاش می‌کنند حزب کمونیست را دوباره بنیاد کنند. تعداد رای دهندگان از قبل کمتر شده است. آیا در فیلیپین شیه به همین مسیر پیچوده نمی‌شود؟ عقاید سوسیال دموکراتیک از هم اکنون از جانب احزاب شکل گرفته در جمهوری مطرح می‌شوند. آیا یک حزب جدید کمونیست در مواجه با آنان شکست خواهد خورد؟

در ۱۹ دسامبر، نخستین کنگره حزب کمونیست لیتوانی در فیلموس افتتاح خواهد شد. "عصر جدید" خوانندگان خود را در جریان اینکه نمایندگان کدام راه را پیشنهاد کردند خواهد گذاشت.

زیرنویس

۱ - مرکز جمهوری لیتوانی

(ضمیمه)

نامه به هیئت تحریریه
۱۰۰۰ سوسیال دموکرات

اولین کنگره حزب سوسیال دموکرات در لیتوان تشکیل شد. این حزب در اواخر قرن نوزدهم بنیان گذاشته شد اما در سال ۱۹۳۶ توسط حکومت سوده‌ای ممنوع اعلام شد. این ممنوعیت تحت حاکمیت قدرت شوراهای نیز ادامه یافت و تا کنون اعضای ما ناچار بودند به فعالیت زیرزمینی بپردازند. در طول این دهه‌ها تنها تعداد معدودی گروه‌ها و جمعیت کوچک وجود داشتند. آنها به ویژه به آموزش آثار سوسیال دموکراتیک می‌پرداختند که با وجود ممنوعیت از کشورهای غریب به اتحاد جماهیر شوروی وارد می‌شدند.

ما می‌خواهیم به جنبش سوسیال دموکراتیک ایده‌آل‌های ابتدایی اش که مارکس و انگلس از آنها سخن رانده‌اند را بازگردانیم. در بسیاری موارد طرح برنامه ما برنامه ح.ک.ل را بیاد می‌آورد.

اکنون حزب سوسیال دموکرات لیتوان حدود ۱۰۰۰ عضو دارد. اگر در طی سالهای ممنوعیت اعضا بویژه از روشنفکران بودند اما اکنون کارگران و کشاورزان بیشتر به حزب روی می‌آورند. مهمترین مسئله برای ما خودمختاری سیاسی و اقتصادی جمهوری است. قانون راجع به خودمختاری سیاسی تصویب شده است اما مشکل بنوان گسب وجود به واقعیت رساندن آن چگونه به نظر خواهد رسید. هنوز هیچ قانونی به مرحله عمل نرسیده و قانون راجع به انتخابات صنعتی به نظر من بسیار مهم است.

به نظر من زیربنای اقتصاد مستقل باید اساسی باشد که مردم آنچه را که حقشان است دریافت کنند. در آمد آنان تنها می‌تواند به نتیجه کارشان بستگی داشته باشد. ما به یک واحد پول محکم احتیاج داریم که منجمد نباشد. به مقابله با تورهای پر منفعت خریدار - توریستها - بروم. لیتوان، آلمان دموکراتیک و چکسلواکی مقررات مقتضی را وضع کرده‌اند، ما نیز باید این کار را بکنیم. برای اینکار همچنانکه گفته شد به یک واحد پول متعلق به خودمان احتیاج داریم. دانشمندان اقتصادی روی اشکال بشماری کار کرده‌اند اما تا کنون به یک نظر واحد دست نیافته‌اند. سوسیال دموکراتها نیز به همین صورت در این کار شرکت می‌کنند.

تا آنچه که به سیاست مستقل مربوط می‌شود در اینجا معمولاً همه چیز به این سوال منحصر می‌شود که آیا ما لیتوان را خارج یا داخل اتحاد شوروی می‌خواهیم بنیمیم. این یک سوال پیچیده است. طبیعی است که باید یک اتحادیه وجود داشته باشد. قطع کلیه ارتباطات با اتحاد جماهیر شوروی غیر قابل تصور است. البته که باید یک اتحادیه اصولاً متفاوت وجود داشته باشد.

امروز رابطه ما با حزب کمونیست و مقامات جمهوری به خوبی پیشرفت می‌کند. ما به اجازه داده شد کنگره‌مان را با حضور مهمانان از کشورهای دیگر مانند نمایندگان سوسیال دموکراتهای آلمان فدرال، سوئد، دانمارک، لیتوان، بلژیک و... و همچنین هم میهنان سابق که در زمان خود مجبور به ترک میهن شده بودند، برگزار کنیم. البته حزب ما رسماً به

برخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۱۲

- ۱۳۵۸/۱/۵ - حمله مزدوران رژیم خمینی به مردم سنجند (نوروز خونین سنجند)
- ۱۳۵۸/۱/۶ - آغاز جنگ تحمیلی به مردم ترکمن صحرا توسط رژیم جمهوری اسلامی
- ۱۳۵۸/۱/۱۲ - انجام اولین referendum شد دموکراتیک رژیم جمهوری اسلامی
- ۱۳۵۸/۱/۱۸ - شهادت دانشجوی مبارز ناصر توفیقیان در حمایت از راهپیمایی کارگران بیکار شهر اصفهان توسط نیروهای سرکوبگر رژیم خمینی
- ۱۳۵۸/۱/۳۱ - حمله مزدوران رژیم خمینی به مقر سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آبدان
- ۱۳۵۹/۱/۷ - قتل عام مردم دهکده قلانان در کردستان توسط رژیم خمینی
- ۱۳۵۹/۱/۱۹ - قطع رابطه سیاسی آمریکا با رژیم خمینی
- ۱۳۵۹/۱/۲۹ - مورث جنبشکارانه نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی به شهر سنجند و آغاز جنگ یکماهه در داخل شهر و نیز آغاز دور دوم جنگ علیه مردم کردستان
- ۱۳۶۱/۱/۴ - شهادت رفیق فدایی محمد حرمتی پور و چهار نفر از یارانش در جنگهای مازندران
- ۱۳۵۷/۱/۷ - عملیات قهرمانانه پرسنل نظامی مجاهد خلق علیه مزدوران رژیم خمینی در یادگان لویزان
- ۱۳۶۲/۱/۸ - قتل عام مردم روستای کانی رش و پیران حیدر در کردستان توسط نیروهای سرکوبگر رژیم خمینی
- ۱۳۶۶/۱/۲۸ - تصویب طرح حقوق زنان در شورای ملی مقاومت
- روزهای جهانی
- ۲۱ مارس برابر با اول فروردین - روز بین المللی مبارزه علیه تبعیض نژادی
- ۲۷ مارس برابر با ۲۷ فروردین - روز جهانی تأثیر
- ۲ آوریل برابر با ۱۴ فروردین - روز بین المللی کتاب کودک
- ۷ آوریل برابر با ۱۸ فروردین - روز جهانی بهداشت
- رویدادهای خارجی
- از ۲۱ مارس تا ۳۰ آوریل
- ۲۶ مارس ۱۷۷۰ - تولد لودویک بتهوون موسیقی دان بزرگ
- ۲۸ مارس ۱۸۷۱ - تشکیل کمون پاریس، نخستین حکومت کارگری در جهان
- ۲۸ مارس ۱۸۸۶ - تولد ماکسیم گورکی نویسنده بزرگ روس
- ۱۱ آوریل ۱۹۱۹ - شروع میلانواپاتا از رهبران جنبش مکزیک
- ۴ آوریل ۱۹۴۵ - آزادی کشور مجارستان از سلطه دولت فاشیستی هیتلر
- ۹ آوریل ۱۹۴۸ - قتل عام وحشیانه صدها نفر از مردم فلسطین در روستای (نیر بانین)
- ۱۷ آوریل ۱۹۵۷ - کشایش نخستین کنفرانس کشورهای غیر متعهد در باندوک (اندونزی) در این کنفرانس شخصیت‌های ملی و مردمی بسیار همچون دکتر سوکارنو و جمال عبدالناصر شرکت داشتند.
- ۲۲ مارس ۱۹۵۸ - خروج عراق از پیمان امپریالیستی سنتو
- ۱۲ آوریل ۱۹۶۱ - برای نخستین بار یوری گاگارین در یک سفینه فضایی زمین را دور زد. (روز کیهان نوردی)
- ۱۵ آوریل ۱۹۶۱ - تجاوز آمریکا به کوبا درخلیج خوکها
- ۲۱ مارس ۱۹۶۸ - نبرد قهرمانانه مردم فلسطین در کرانه یگنی از حماسی ترین نبردهای خلق فلسطین و نقطه عطفی در تاریخ جنبش مردم فلسطین
- ۴ آوریل ۱۹۶۸ - شروع جنبشکارانه مارتن لوتر کینگ از رهبران جنبش ساهبوسان آمریکا
- ۱۷ آوریل ۱۹۷۵ - پیروزی جنبش مردم کامبوج علیه رژیم دست نشانده لول نول

در صفحه ۶

ثبت نرسیده است. در کشور ما اصلاً قانونی برای به ثبت رسیدن احزاب وجود ندارد. بر طبق قانون اساسی در لیتوان امکان یک سیستم چند حزبی به رسمیت شناخته خواهد شد، اینکه چگونه، کجا و از طرف چه کسی نباید دیگر احزاب می‌تواند رسمی باشد جای یک چنین مکانیزمی خالی است. به نظر من فقط پذیرش از سوی قانون احزاب می‌تواند صلاحیت این کار را داشته باشد.

مصاحبه با کاک جلیل گادانی

درباره تحولات اخیر در کشورهای سوسیالیستی

خواهد آورد.

سوال - نظرتان در مورد مسائل مرزی و ملی کسّه اخیراً در آذربایجان شوروی اتفاق افتاده است چیست و در ضمن با توجه به رویدادهای جاری حل ساله ملی را در ایران چگونه می بینید؟

جواب - ساله آذربایجان که اخیراً در آذربایجان شوروی مطرح گشته نشانه دیگری از نیرداختن کافی به ساله ملی در داخل آن کشور است. ممکن است عواملی باشند که اختلافات بین آذربایجان و ارمنستان را تشدید بکنند، ولی با توجه به شعارهای مسکورد توجه خود آذربایجانی ها چنین استنباط می شود که

فضیه آنها دو جنبه دارد. یکی جنبه ملی و دیگری جنبه مذهبی. زیرا به کرات در اخبار شنیده شده و در صفحه تلویزیون دیده شده که بعضی از تظاهر کنندگان عکس مسئولین جمهوری اسلامی را در دست

دارند، از خمینی گرفته تا رفیجان و خامنه ای و غیره. در اصل ما مخالف جنگ ملی ارمنستان و آذربایجان هستیم و باید تفاهم داشته باشیم.

ولی معتقدیم که مردم آذربایجان هم می توانند مثل دیگر ملیتهای دنیا خودشان دارای حق تعیین سرنوشت باشند و به میل خود حاکمیت خود و نوع آن را تعیین بکنند. ولی چیزی که برای من جای نگرانی است

اینست که گرایشات مذهبی بر گرایشات ملی می چربد و این توانی آذربایجانی ها یک آینه شده خطرناکی در بر خویش داشته زیرا خلق های ایران و بخصوص هموطنان آذربایجانی ما را

ایران طی این ده سال به معنای واقعی این رژیم را شناخته اند. اگر قرار باشد به هر شیوه ای این حرکت تحت تاثیرات رژیم جمهوری اسلامی هدایت شود هرگز به نتیجه

مطلوب نخواهد رسید. تبعیت از رژیم ایران نه تنها مشر شر نخواهد بود بلکه با یک بن بست خطرناک مواجه خواهد شد و هر آنچه را که دارند از دست

خواهند داد. در رابطه با حل ساله ملی در ایران بدون شک در هیچ شرایطی خصوصاً برای یک کشور مثل ایران بدون توجه به ملیت های مختلفی که در

سرزمین زندگی می کنند نمی توان ثبات و آرامش کافی در کشور احساس کرد بنابراین در هر شرایط و تحت هر حاکمیتی، بخصوص اگر این حکومت بر

مبنای دموکراسی قرار بگیرد باید ساله ملی مسود وقت و توجه قرار گیرد و این ستم مخافی که سالها چه در زمان سلطنتی و چه در زمان جمهوری اسلامی بر کرده خلق های ایران سنگینی می کند باید بکلی برطرف بشود و اساساً اگر واقع بداند فکر بکنند

و بخواهند تجارب چندین ده ساله جاهای دیگر را تکرار نکنند باید دست همه خلق ها را تا سر حد تعیین سرنوشت باز بگذارند و این امریست که باید مورد توجه کافی قرار بگیرد.

سوال - در پایان ضمن عرض تشکر از شما می خواستم بدانم نسبت به چشم انداز سوسیالیسم در آینده بشری امیدوارید یا نه؟

جواب - من نسبت به آینده سوسیالیسم با توجه به اینکه اکنون تمام کشورهای سوسیالیستی با یک دید انتقادی مسئولانه با قضیه برخورد می کنند

به ساله ملی می کردند احساس مسئولیت بیشتری خواهند کرد و به این نتیجه خواهند رسید که در تبال مسائل ملی چه در داخل کشورهای خودشان و چه در خارج از محدوده جغرافیایی خودشان در صحنه جهان بی تفاوت نمانند و طرح قضیه ملی و دفاع از حقوق ملی خلق های تحت ستم را به عنوان یک وظیفه جدی تلقی نمایند.

سوال - تاثیر این تغییر و تحولات را در جنبش مقاومت سراسری و بخصوص جنبش خلق کرد چسّه می دانید؟ آیا مبارزه مسلحانه خلق کرد برای آزادی و خودمختاری از این تحولات سود می برد یا ضرر؟

جواب - امیدوارم بدنبال این تحولات فوق العاده که در کشورهای سوسیالیستی مطرح است و بی تردید همانطور که فوق گفته شد بر روابط بین المللی هم تاثیر خواهد گذاشت و ساله کرد نیز از این

مسائل مشتقی نیست. به گمان من اثر خوبی می گذارد. شما می بینید که ۱۱ سال است مبارزه مسلحانه خلق ما علیه رژیم ایران ادامه دارد.

متأسفانه در تمام این مدت برای یکبار هم از طرف این کشورها پشتیبانی عملی از مبارزات بر حق ما مطرح نشد. من انتظار دارم که این ساله از دیدگاه آنها جنبه جدی تر بخود بگیرد. و ساله ملی ما از

طرف آنها نیز حداقل به اندازه کشورهای غربی که اکنون دم از حقوق بشر در سورد ما کرده می زنند مطرح بشود و بیش از این در باره ساله ما سکوت نکنند. این تحولات نه تنها اثر منفی روی مبارزه

مسلحانه خلق ما نخواهد گذاشت بلکه اگر در قبال ما احساس مسئولیت کنند و به حکم وظیفه انترناسی - سوسیالیستی دست کم به اظهار نظر بپردازند گرمی بیشتری به مبارزه ما برای احقاق حقوقمان خواهد بخشید.

سوال - کاک جلیل شما فکر می کنید یک دولت دموکراتیک و مردمی در ایران. با توجه به تحولات اخیر، چه نوع دیپلماسی باید اختیار کند که بسود خلق های ایران و خلق کرد هم باشد و تا آنجا که بسا

دیپلماسی شورای ملی مقاومت آنتانی دارید نظرتان در این رابطه چیست؟

جواب - من در رابطه با دولت دموکراتیک آینده ایران بر این عقیده ام که به سرف ادعا، مسردم از تطبیق دموکراسی چشمان آب نمی خورد. هر دولت

الترناتیوی که بجای رژیم فعلی بخواهد در ایران حکومت کند باید دموکراسی را به معنای واقعی خودش تطبیق بدهد و با همه توان در تأمین حقوق حقه

خلق ها و رحمتکشان کوشا باشد. دیپلماسی از دیدگاه های مختلف فرق می کند. برای یک دولت دموکراتیک بهترین دیپلماسی این است که بر اساس

احترام متقابل پایه گذاری بشود. در مورد دیپلماسی شورای ملی مقاومت تا آنجایی که من آشنایی دارم این شورا به لحاظ دیپلماسی، مستقل بوده و تاکنون از لحاظ دیپلماسی سیاسی را اعمال نکرده کسّه

مخالف با اصول باشد. در هر شرایطی چه شورای ملی مقاومت و چه هر نیروی دیگری از تطبیق دیپلماسی بر اساس احترام متقابل عدول بکند موقعیتی بدست

اطلاعیه

مسئول شورای ملی مقاومت ایران

سه روز پیش سازمان مجاهدین خلق ایران بر اساس اطلاعاتی که از داخل رژیم خمینی بدست آورده بود از تاخیر مشکوک و غیر مرسوم در انتشار گزارش گالیندویل که حاکی از "یک معامله کشف" بسود قویا اسراز نگرانی کرد.

امروز بدنبال کنفرانس مطبوعاتی مقاومت ایران در ژنو که به همین موضوع اشاره داشت گزارش مسرد بحث به تاخیر منتشر گردیده و قویا مورد استقبال ایادی و مزدوران رژیم خمینی واقع شده است.

از نظر مردم و مقاومت ایران این گزارش کاملاً مخدوش، مغرضانه، غازی از اعتبار و صرفاً حاکی از یک معامله پشت پرده و مطلوب مقامات رژیم خمینی است که پیشاپیش برای بدست آوردن آن بر پایه ریزی و توطئه چینی کرده بودند. این گزارش شرم آور بطرز ناشایسته ای نقض وحشتناک حقوق بشر در ایران و حیایات وحشی ترین استبداد مذهبی دنیا را معاصر را می پوشاند و با به حداقل می رساند.

بنظر می رسد اگر آقای گالیندویل دست بساز می داشت در پایان گزارش یک جایزه حقوق بشر نیز به ملایان خون اشام تقدیم می نمود که لایذ زمان آن هم پس از اجرای حکم اعدام سلمان رشدی فرا خواهد رسید!

برده پوشی حقایق، کوچک جلوه دادن جنایات جلادان و گناه حتی مظلوم نمایان آنها و شتابلا برجست بدلیل نه تروریستی به مقاومت عادلانه یک خلق امیر برای صلح و مسوکراسی همین سنت های وقاحت و بیشرمی است. با چنین نظرگاهی سادگی می توان حیایات کشتیابو فاشیسم هیتلری را نیز وارونه جلوه داد. آشوبتر و کوره های آدم سوزی را نیز نادیده گرفت و تلویحا به طعن و لعن مقاومت ضد فاشیستی زبان گشود.

آیا نوسلده این گزارش هرگز به اتاق های شکنجه رژیم خمینی قدم گذاشته و مندا فلم الات و اسراز شکنجه را از نزدیک دیده است؟

آیا ابوع دستگاههای پرس سر وسیله و انواع ماشین های قطع انگشتان و دست و پا را دیده است؟ آیا بعنوان نمونه بر سر یک کور دستجمعی حاضر شده و مندا حسد شکنجه شده را که نیمه جان بنفون گردیده اند ملاحظه کرده است؟

آیا در یک صحنه خلق آویز با تیرباران دستجمعی حضور یافته و آیا هرگز با دختران و زنانی که سبعانه مورد تجاوز واقع شده اند گفتگو کرده است؟

آیا جهت نبود که مقامات رژیم خمینی از قبل در محافل خصوصی خود تصریح می کردند که برای گسترش رابطه با برخی کشورهای و دریافت کمک های لازم "برای اینکه این کشورها بتوانند تضمین سیاسی شان را ایمنتر بکنند و بحث (حقوق بشر) را جمع کنند" "حالا باید با این گالیندویل همکاری کنیم تا مسئله را حل کنیم".

خود گالیندویل هم می داند که اگر با یک تضمین مطمئنی نداشته باشیم اصولاً روی مسردش تصمیم قطعی نمی گیریم و اصولاً نمی پذیریم. آعین سخنان مسرد ناصری شیر رژیم خمینی در ملل

در صفحه ۲

خوش بین هستم و معتقدم که سوسیالیسم در دنیای کنونی بهترین سیستم مسکن برای تطبیق عادلانه ترین شیوه اقتصادی و اجتماعی است و کماکان بفرسود خواهد بود و این جاروچغال تبلیغاتی که علیه سوسیالیسم راه افتاده بالاخره به پایان خواهد رسید و مردم جهان در آینده روی واقعیت ها به سبب تفاوت خواهند کرد. واضح است که همه این فعالیت های تبلیغاتی علیه سوسیالیسم نخواهد توانست بحران های درونی سیستم سرمایه داری را منطفی تلقی بکند و هیچ نیرویی نخواهد توانست تضادهای درونی این سیستم را تعدیه بگیرد و انکار بکند. به همین دلیل با مقایسه عمیق این دو موضوع است که حزب ما در آخرین کنفرانس خود بار دیگر بر سوسیالیسم به عنوان هدف آتی حزب تاکید ورزیده و در آینده هم بر این طرز تفکر باقی خواهد ماند.

خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای توده ای شکست ناپذیر است

اخبار و رویدادها....

انتخابات در نیکاراگوئه

روز ۲۵ فوریه اسال (۶ اسفند ۶۸) انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان در نیکاراگوئه انجام گرفت. نتایج این انتخابات که با نظارت کاملاً بین المللی صورت گرفت در روز بعد از انتخابات اعلام شد. در این انتخابات خانم ویولتا ماریویسی کاندیدای ائتلاف وسیعی که از راست افراطی تا چپ افراطی علیه جبهه ساندینیست بنام " اتحاد ملی اپوزیسیون " (اوتو) ایجاد شده بود با ۵۵ درصد آرا برنده شد. دانیل اورتگا کاندیدای جبهه ساندینیست که به تنهایی در مقابل " اتحاد ملی اپوزیسیون " قرار گرفته بود، ۲۵ درصد آرا را بخود اختصاص داد. دانیل اورتگا بعد از اعلام نتایج انتخابات اعلام نمود که نتایج انتخابات را رسمیت می شناسد. نکته قابل توجه و قابل ملاحظه ای که در این انتخابات وجود داشت، این بود که " اتحاد ملی اپوزیسیون " علیرغم اینکه در مقابل اصلاحات ارتشی جبهه ساندینیست موضع مخالف داشت، با اینحال، آرا اکثریت ساکنان روستاها را بسود خود جلب نموده بود. یکی از عللی که تمامی آمارگران قبل از انجام این انتخابات پیروزی اورتگا را اسری مسلم می دانستند، این بود که نمونه سلجی آنها عملاً به صف بندی جریانات اجتماعی در شهرها منتهی بود.

تصویب وجود اشکال گوناگون مالکیت در شوروی

رادنیو مسکو در برنامه روز ۲۷ بهمن اسال در رابطه با برخورد پارلمان شوروی با شکل حاکمیت اعلام نمود که: " در سومین اجلاس شورای عالی (پارلمان) اتحاد شوروی پس از مساجلات پر شوروی که تا جلسه باعداد امروز هم ادامه داشت لایحه قانونی مربوط به مالکیت به طور کلی تصویب شد و تصمیم گرفته شد که این سند با در نظر گرفتن نتایج مساجلات در عرض یک هفته تکمیل شود. برای نخستین بار در تاریخ کشور شوروی، انحصار مالکیت همه خلقی ولی در ماهیت امر مالکیت دولتی رد می شود و تضمین هایی برای وجود اشکال گوناگون مالکیت نه تنها مالکیت اجاری و تعاونی، بلکه مالکیت خموضی هم تا سمن می گردد. ضمناً باید گفت که این نوع مالکیت در لایحه قانونی با خیالاست مالکیت انفرادی و ناشی از کار نامیده شده است. ولی اصل مطلب اصلاحات نیست، بلکه ماهیت اسر است، چنانکه بک نامیده پارلمان در جریان مساجلات گفته بود، ایندولوگه های ما تا کنون از کلسه مالکیت خصوصی بیم داشتند، ولی از پیشخوان های خالی مغازه ها بمنگ و ناراحت نبودند. قانون مربوط به مالکیت همانا متوجه ما لا برهن سطح اسر بخشی این اقتصاد و اشباع کردن بازار مضرتی است.

وحدت یمن شمالی و جنوبی

خبرگزاریها در روز ۱۲ اسفند ۶۸ اعلام نمودند که یمن شمالی و یمن جنوبی برای تسریع در امر وحدت دو کشور، ۱۶ سازمان دولتی را در یکدیگر ادغام کردند. مهمترین این موسسات، بانک ملی مرکزی دو کشور است. بقیه سازمانهای دولتی که در هم ادغام شده است عبارتند از: خبرگزاریها، راديو و تلویزیون، شرکتهای هواپیمایی، بنادر، ادارات گمرک و پست، در روز ۳۰ نوامبر ۱۹۹۰، دو بخش یمن با هم متحد و کشور واحدی را تشکیل خواهند داد.

مساله آزادی گروگنیا

سخنگوی کالج سفید آمریکا در تاریخ ۵ اسال (۶۸/۱۲/۱۴) اعلام نمود که حاضر است بدون هر گونه معامله، با دولت ایران بر سر مساله گروگنیا، مذاکره کند. سخنگوی کالج سفید اعلام نمود که این پیشنهاد بر اساس علاقه شخصی است که هاشمی رفسنجانی این روزها از خود نشان می دهد. سه روز بعد در تاریخ ۸ مارس یکی از تلویزیون های سراسری آمریکا اعلام نمود که حدود یکماه قبل کالج

برخی از رویدادهای تاریخی

- ۱۳۹۹/۱/۱۶ - قیام سردمی شیخ محمد خیابانی در تبریز
۱۳۰۰/۱/۱۲ - قیام افسران در خراسان به رهبری گلنل محمد تقی خان یسایان
۱۳۲۰/۱/۱۶ - درگذشت پروین اعتصامی
۱۳۲۶/۱/۱۰ - شهادت پیشوا قاضی محمد و یارانش صدر قاضی و سیف قاضی در شهر مهاباد (روز شهیدان کردستان)
۱۳۳۰/۱/۱۹ - درگذشت صادق هدایت
۱۳۳۰/۱/۲۲ - اعتصاب ۱۲ روزه ۴۰۰۰۰ نفر از کارگران نفت در آبادان
۱۳۳۷/۱/۲۳ - اعتصاب ۱۲۰۰۰ تاکسیران در تهران
۱۳۴۲/۱/۱ - حمله مزدوران رژیم شاه به مدرس فاضله در قم
۱۳۴۴/۱/۲۱ - شهادت سرباز ساروز رضا شمس آبادی در جریان تیراندازی به محمد رضا شاه
۱۳۵۰/۱/۱۷ - حمله قهرمانانه رزمندگان چریکهای فدایی خلق ایران به کلانتری قلهک در تهران
۱۳۵۰/۱/۱۸ - به هلاکت رسیدن سپهد فرسیو دانشان ارتش رژیم شاه توسط رزمندگان چریکهای فدایی خلق ایران
۱۳۵۱/۱/۲۰ - میربازان و به شهادت رساندن چهار نفر از رهبران سازمان مجاهدين خلق ایران، علی باکرتی، محمديه بازرگانی، ناصر صادق و سپهر دوست توسط رژیم شاه
۱۳۵۴/۱/۳۰ - شهادت رفقای انقلابی میژن جزئی - حسن ضیا - ظریفی - عباس سورگی - سعید (مشرف) - کلانتری - محمدجوابزاده - عزیز سردی - احمدي - جلیل افشار و سجاهدين خلق، کاظم ذوالانسوار و محمطفی جوان خوشدل در تبههای اوین توسط مزدوران ساواک شاه
۱۳۵۷/۱/۲۲ - پایان موفقیت آمیز اعتصاب غذای ۲۹ روزه زندانیان سیاسی در زندان قصر در صفحه ۱۰

NABARD E KHALGH NO: 69

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس های زیر مکاتبه کنید.

HOVE, YAT
P.O. BOX 2891
RESTON, VA 22090
U.S.A.
HOVIAT
POST RESTANTE
MINERS GADE 118
2200
DANMARK
P.L.K
Nr. 039999 D
5000 KÜLN 1
W. GERMANY

آمریکا

دانمارک

آلمان غربی



در برابر تکرار می ایستند خاله را روشن می کنند و می میرند

شهادت فدایی فروردین ماه

- رفقا:
جواد سلاخی - حبیب مومنی - خشایار سلجری - منصور فرشیدی - محمد معصوم خانی - میژن جزئی - حسن ضیا - ظریفی - عباس سورگی - مشعوف (سعید) - کلانتری - محمد جوابزاده - عزیز سردی - احمد جلیل افشار - حمید اکرامی - محمد رضا کامیابی - نژاد (بریدخت) آیتی - سیمین پنجه شاهی - عباس هوشمند - علی میرامین - یدالله سلیمی - جلیسل اراضی - بهرام آق آتابای - عطا خانجانی - اراز محمد وردی پور - نفور حمادی - عبدالله صدقی زاده - سردی محمد کوسه فراوی - قربانعلی پورنوروز - سعید جوان مولایی - علی محمد خوجه فیروز شگری - آسه بردی سراقز - قربان (آرقا) شمیمی - فیروز صدیقی - نور محمد شمیمی - محمد رسول عزیزبان - رفیق پروین افروزه - محمد خروستی پور - منوچهر کلانتری - صدیق دیده ور (دکتر بهرام) و ...
این رفقا از سال ۴۹ تا کنون در بیکار علیهمه امیربالیسیم و ارتجاع توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس زیر مکاتبه کنید

F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE

لطفا بسته های بزرگ و نامه پستارشی به آدرس فرانسه ارسال ننمائید.

با کمک های مالی خود سازمان را در انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است. کمک های مالی خود را بهر میزان که باشد، با مستقیماً بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه بشریه واریز کرده و قبضه رسید، و یا فتوکپی آنرا به آدرس صندوق پستی سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE نام بانک
BOULOGNE - S - SEINE آدرس بانک
03760 کد گیشه
00050097851 شماره حساب
MME; R - T - TALAT نام صاحب حساب